



کارگران همه کشورها
متحد شوید!

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره برگزاری پلنوم

های سازمان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و از اول دی ماه ۶۶ راهنمای عمل ارگانها و اعضای سازمان خواهد بود. پیشینها دهای رسیده از سوی اعضای کمیته مرکزی مورد بررسی قرار گرفته و اساسا سازمان درکنگره به تصویب نهایی خواهد رسید.

پلنوم با در نظر گرفتن گزارش هیات سیاسی درباره پیشرفت روند تدارک و تصویب برنامه درباره شیوه پیشبرد و ادامه کار روی برنامه در دستگیر رهبری و میا جئات حول پیش نویس های مقدماتی برنامه در تشکیلات، تصمیمات لازم را اتخاذ کرده پلنوم تأیید کرد که تا تصویب برنامه جدید طرح استراتژی و تاکتیک مصوب پلنوم فروردین ۶۵ را همنمای عمل سازمان قرار گیرد.

بخشی از کار پلنوم به میا جئات پیرامون شرایط ترور و اخذ حق حاکم بسر کشور، تقویت توان مقابله تشکیلات با سرکوب رژیم و مرحله تکامل ساختاری تشکیلات بمنظور تمسین شیوه های تدارک و فرآوردن کنگره اختصا می یافت.

میا جئات پلنوم در زمینه مشی سازمانی و شیوه های هدایت فعالیت و اهدافی سازمان در سطح کشور متوجه آن بود که هم از تجارب دور و نزدیک سازمان در امر سازمانگری و هم از بررسی و تحلیل ضربات سال ۶۵ و ملل آن در امر سازمانگری بقیه در صفحه ۵

در مهرماه سال ۱۳۶۶ پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با شرکت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی تشکیل شد و در فضای کار رقیقا نه و مسئولیت انقلابی به صالته تدارک کنگره و به سایر مسائل کنگره در دستوران قرار داشت رسیدگی کرد.

پلنوم با استماع گزارش فعالیت سازمان در فاصله میان دو پلنوم (از فروردین ۶۵ تا مهر ۶۶) کار خود را آغاز کرد و سپس سند اساسی در دستور کار خود یعنی اساسنامه را مورد بررسی قرار داد. میا جئات پلنوم در زمینه اساسنامه حول پیش نویس مصوب هیات سیاسی که به پلنوم ارائه شده بود صورت گرفت. پلنوم در جریان این میا جئات اصلاحاتی را روی طرح ارائه شده به پلنوم وارد ساخته و در پایان آن را به اتفاق آراء مورد تصویب قرار داد.

تلاش در جهت کار بست موثرتر اصول کلی ساختمان حزب طبقه کارگر و توجه بیشتر به تدارک غنی ۸۰ ساله احزاب برادروا نظایا که هر چه بیشتر این اصول و تجارب بر شرایط سیاسی و اجتماعی ایران و بر مرحله تکامل سازمان و تجارب آن سمت و مضمون عمده تغییرات حاصله در اساسنامه سازمان را معین می کند. طرح جدید اساسنامه بنا به تصمیم پلنوم اکنون در تمام حوزه ها و کمیته -

- ★ پیام پلنوم به مردم ایران: برای صلح، برای آزادی پیکار کنیم!
 - ★ پیام شادباش به مناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب کبیرا کتبر
 - ★ پیام به اعضای و هواداران
 - ★ پیام به زندانیان سیاسی
- در صفحات ۳، ۴، ۵، ۶

اطلاعیه هیات سیاسی
حمله تجاوزکارانه ناوگان آمریکا به
سکوه های نفتی ایران را محکوم می کنیم

روز ۲۷ مهرماه، در شرایط تنش فزاینده و دولت ریگان و رژیم خمینی در منطقه خلیج فارس کشتی های جنگی آمریکا را هزنا نه به دو سکوی نفتی کشور ما در خلیج فارس حمله کرده و آنرا بکلی نابود ساختند. این اقدام تجاوزکارانه دولت خیره سر ریگان، که باز بر یادگذاشتن همه مقررات بین المللی انجام شد یک ماجراجویی آشکار علیه مردم و میهن ماست که اوضاع را به حد انفجار آمیزی متشنج باخته است.

دولت ریگان که از این روزها از "امنیت کشتیرانی" و ضرورت "قطع جنگ" دم می زند با لشکرکشی به خلیج فارس و با اقدامات راهزنا نه خود اشیات نموده که تاکنون نفتی جز شعله ورنج نداشتند. همین آتش جنگ و تشدید توسعه آن در منطقه نداشتن است. دولت ریگان اینک آماده است تا مستقیما به یک طرف جنگ تبدیل شود.

لشکرکشی دولت آمریکا و دیگر متحدین نا تویسی آن به خلیج فارس و ماجراجویی های خیره سر آنسه آنها در جای خوب نقشه های انجام می گیرد که هدفای درو در از تروری را پی می گیرند. این اقدامات اکنون آشکارا علیه امنیت منطقه و صلح جهانی و در جهت و خامت و تشنج هر چه بیشتر اوضاع عمل می کنند. دولت ریگان با اقدامات جنون آمیز خود عملا در راه اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و مساعضا ختن اوضاع جهت تحقق آن کارشکنی می کند.

رژیم ارتجاعی خمینی با امتناع از پذیرش آتش بس و با اصرار بر جنگ رانه به ادامه جنگ در تنور ماجراجویی های امپریالیسم آمریکا می دمد و به نقشه های مرتجع ترین محافل جنگ افروز امپریالیستی خدمت می کند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و همه نیروهای انقلابی، مترقی و میهن دوست به همراه همه مردم ایران و همه کشورها، نیروها و محافل ترقیخواه جهان با نفرت تمام اقدامات ماجراجویانه و جنگ افروزانه امپریالیسم آمریکا علیه کشور ما و علیه امنیت منطقه را محکوم می کنند و خواستار خروج فوری همه نیروهای نظامی خارجی از خلیج فارس و تأمین امنیت کامل کشتیرانی در خلیج فارس زیر نظر نیروهای سازمان ملل متحد هستند.

بقیه در صفحه ۲

تیرباران فدایی قهرمان رفیق محمود زکی پور

چلادان چندین تن از فدایان خلق و دیگر انقلابیون را همزمان اعدام کردند

در پی اخبار رنگارنگ کشته ها و هفته های اخیر، اخباری که حاکی از کشتار تازه انقلابیون در سیاه چالهای رژیم بود، اینک تا شنیده رفیق قهرمان، که در برجسته سازمان ما، رفیق محمود زکی پور پس از چهار سال مقاومت و تحمل شکنجه های جسمی و روحی به خوا خدا عدا مبریده شد.

همزمان با اعدام رفیق زکی پور، برابر اخبار رسیده، عده ای دیگر از فدایان خلق و اعضای دیگر سازمانهای انقلابی و مبارزان را همزمان اعدام سپردند. سازمان برای کسب اخبار موثق و شناسایی رفقا و همزمان شهبه تلاش خود ادامه می دهد.

اعدام رفیق محمود زکی پور، انقلابی صیقلی که بیش از بیست سال از زندگی پرافتخارش را در پیکار بر علیه دورزیم ارتجاعی شاه و خمینی گذرانند، اعدام انقلابی برجسته ای که یکی از چهره های سرشناس زندانهای رژیم شاه بود، و داغ شکنجه گاه دورزیم زینت بخش پیکر پاکش بود، جز ننگ و نفرت بهره شکنجه گران و قاتلینش نخواهد کرد.

ارتجاع دلایل بسیاری برای اعدام رفیق زکی پور داشت، با او کی های خدمتگزار رژیم خمینی، از کمتر کسی به اندازه او در ختم بودند. او کسی بود که برجسته ترین ما موران و شکنجه گران رژیم را به زانو در آورده، زکی پور که در دستگی نا پذیر سازمان ما و زرمنده ای تا آخر وقتا داره مردم و آرمانهای مردمیاش بود. او فتابی سوزان در شب تیره خفاشان جمهوری فندشربود، او را بر نمی تابیدند، پس خاموش ساختند.

بقیه در صفحه ۲

بیم و امید در گفتگوهای صلح

دروزهای پایانی شهریور ماه دیدار و مذاکره مهمی بین "دو اردشوارنا دره" و "جورج بولتزور"ی امور خارجه اتحاد شوروی و آمریکا در واشنگتن صورت پذیرفت که به یک توافق اصولی و مهم در زمینه صلح انجام مید. این توافق نا بودی موشکی با برده متوسط و نیز موشکی عملیاتی - تاکتیکی با برد کمتر متعلق به آمریکا و شوروی را شامل خواهد شد. که نا بودی قریب ۲۰۰۰ کلاهک اتمی را دربر خواهد گرفت. در این دیدار همچنین مسائل مربوط به محدود کردن و کاهش تسلیحات هسته ای و عسادی و شیمیایی مورد بررسی قرار گرفت و پیشرفتی در راه حل مسائل مهم دیگر از قبیل قطع آزمایشات اتمی نمایان گردید. طرفین قرار گذاشتند تا در هر سال جاری میا جئات پیرامون مسائل کنترل آزمایشات هسته ای و حل مرحله به مرحله آن آغاز گردد. در این رابطه پیشنها داد اتحاد شوروی این بوده که در مرحله اول فقط به ۴ آزمایش اتمی در سال اکتفا شود.

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در سخنرانی خود در سازمان ملل متحد در پی توافقی فوق الظهار داشت که این امکان بوجود آمده است که بر سرکاهش بلا واسطه ۵۰ شرطی که قرار داد دفاع خدموشکی" که بین اتحاد شوروی و آمریکا در سال ۱۹۷۲ منعقد شده است، به اعتبار خود باقی بماند. این قرار داد آزمایش و استقرار سیستم های خدموشکی در فضا را منع می کند. دولت ریگان اکنون تلاش می کند تا تغییرات قراردادهای جدیدی برای انجام برنامه "جنگ ستارگان" بقیه در صفحه ۲

- از رنج و رزم جوانان در صفحه ۳
- درباره تبلیغات (۳) در صفحه ۹
- اطلاعیه مطبوعاتی احزاب کمونیست
- شرق مدیترانه و خاور نزدیک و میانه
- در صفحه ۱۰

- گرامی باد هفتادمین سالگرد
انقلاب سوسیالیستی اکتبر در صفحه ۷
- دولت فرهنگ ستیز در صفحه ۸
- یاران دیروز، قربانیان امروز "امام"
در صفحه ۱۰

- پیام پلنوم به کنفرانس دوم
حزب دموکراتیک خلق افغانستان
در صفحه ۲
- پیام کمیته مرکزی به مناسبت
سالگرد تاسیس حزب نواد ایران
در صفحه ۲

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرکز بر خمینی

پیام شادباش به کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت سالگرد تأسیس حزب

رفقای ارجمند!

چهل و ششمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را به شما و از طریق شما به همه اعضا و هواداران حزب توده ایران تبریک گفته و از مصمم قلب برای شما در پیگیر انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه صلح، دموکراسی، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم پیروزی های روزافزون آرزومی کنیم.

حزب توده ایران طی نزدیک به نیم قرن راهی پریشیب و قرارزای پیموده است. حزب غیرمتمن و توده های ددمنشانه امپریالیسم و ارتجاع و تهمسلسل قربانیهای بی شمار همواره برجم مبارزه خویش را در اهتزاز نگه داشته و به دفاع از طبقه کارگر و توده های زحمتکش میهن ما ایستاده است.

حزب توده ایران طی سالهای عمر خود، در اثنای عهده و ترویج فرهنگ ما رگسبستی - لنبنیستی در میهن ما نقش بسیای مهمی بر عهده داشته، از حقانیت ما رگسب - لنبنیسم و اشتراک سبونا لیسیم پیروتری دفاع کرده و علیاً امپریالیسم و ارتجاع در راه بهروزی مردم ایران به مبارزه پرداخته است.

رفقای گرامی!

در حالی که رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی بدلیل نابودکردن انقلاب و سرکوب خواستهای توده های مردم هر چه بیشتر در میانه توده ها منفرد می شود، می گوید تا با تپکاری علیه حزب توده ایران و دیگر سازمانهای انقلابی مانع از نقش آگاهانه و سازمانگراانه ما در میان کارگران و دیگر زحمتکشان کشور گردد.

بورش و حشیا نه ساواک خمینی به سازمان ماطلی سال گذشته نیز به این دلیل و با خیال خام نابودی

تیرباران فدایی ... بقیه از صفحه اول

رفیق ذکی بورمیاری بر سابقه بود. او در او خردده چهل به حشیا که بنیاد نگاران سازمان ماطلی افکندند، بیوست، از فتنان زمان بصورت سازمان یافته راه فداییان خلق را پی گرفت و در تمام رزم دلاورانه شان در سال ۵۱ به اسارت ساواک درآمد. در زندان با بنیاد نگارنا صدای سازمان رقیب جزئی آشنا شد و در مکتب انقلابی او به تکمیل دانش سیاسی و مبارزاتی خود پرداخت. و با فداکاری و وضاعت ستودنی اش خیلی زود به یکی از سازمانگاران مبارزات فداییان سیاسی بسند شد

و به اتفاق رفیق شهید بهروز ارغمانی در سازماندهی تشکیلات مخفی در زندان قزل حصار، با جداد ارتباط با خارج از زندان و رساندن آثار رقت، رقت، به سازمان نقش جدی و موثری به عهده گرفت و بی از راهی از زندان در تماس با سازمان، بیکار علیه رژیم شاه را بیکار نشاند و همداستانها را نیز با هم سازمان جنبش گردید. با اوج گیری جنبش انقلابی، رفیق تمام نیرو و امکانات خود را در خدمت اعتلای آن بکار گرفت و در جریان انقلاب شکوهمند پیوسته فعالانه مشارکت جست. در روزهای قیام تاریخی ۲۲ بهمن در سنگرهای رزم انقلابی جنگید و با پیروزی قیام همانند همها هزار فدا شدی دیگر در جنبش پیروزی توده ها اشک شوق ریخت.

بعد از قیام، رفیق محمود در دست سازمان و در بخش کارگری به کار پرداخت و به صدها کارگر که در کلاسهای و شرکت می کردند، کمک نمود تا دانش سیاسی خود را افزایش دهند و چگونگی حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب را بیاموزند. وی از سازمان تکران نظرات بر شگوه اول ماه مه سال ۵۸ بود.

بعد از پیروزی ارتجاع و نیروهای مترقی و تعطیل دفاعی سازمان، رفیق محمود در بخش کارگری و در رگات مالی و ارتباطات وظایف متعدد و متنوعی را بدوش گرفت و همواره با دلسوزی، پشتکار و توانمندی تمام به انجام رساند و در پیروزی قیام از دستگیری مسئولیت خطیرت میان ارتباط تشکیلات داخلی و خارج را بر عهده داشت.

رفیق ذکی بورمیاری او خرسال ۲۶ بوسیله با ساداران ارتجاع و دیگر دشمنان توده ها اسارت درآمد. او را به جلدان شکنجه گاه رژیم سپردند. در کتبه درختان نترسین فضل زندگی این رزمنده دلاور طی شد. چهار سال شکنجه و حشیا نه جسی، چهار سال شکنجه همه جا نبیه روحی و چهار سال مقاومت و ایستادگی حماسی، در خمیان همه انواع شکنجه را بکار گرفتند، اما نتوانستند محمود را درهم شکنند، او لب فرو بست و استوار باقی ماند. تا آخر باقی ماند. ایستاد و سخن گفت، با گردنی افراشته از شرف و حیثیت خود سازمانش، از عقاید و آرمانش دفاع می کرد.

سازمان صورت گرفت. اما هیچ چیز فا در نیست در عزم استوارانه ادامه نبردها پیروزی قطعی خلقی ایجاد نکنند. رژیم هرگز فا در نیست در مقابل گسترش رزم انقلابی ما مانع بوجود آورد. حقانیت مبارزه انقلابی حزب شما و سازمان ما ارتجاع و امپریالیسم را در دستبیا به اهداف ضد مردمی خودنا کام ساخته و خواهد ساخت.

رفقای ارجمند!

جمهوری اسلامی با ادامه جنگ خانمان برانداز، کشتار و حشیا نه صدها هزار نفر از مردم میهن ما در جبهه های بی سرانجام و تخریب امکانات اقتصادی کشور، میهن ما را به نابودی کشانده است. با فشار رژیم بر ادامه جنگ ارتجاعی و تشنج آفرینی در خلیج فارس سبب شده است که امپریالیستهای بطور بی سابقه ای نیروهای خود را در خلیج مستقر سازند و توده های علیه کشور ما و دیگر کشورهای منطقه را به اوج رسانند.

جمهوری اسلامی با ادامه جنگ و سرکوب خشن آزادبها و حقوق دمکراتیک مردم، حمایت همه جا نبیه از منشی سرما به ادرمان و سیاستهای فدا طلبی خویش در مقابل با خلق ایران و مانع عمده هرگونه

تجول انقلابی در میهن ما است. راه رهایی مردم ایران از وضع اسفناک کنونی مبارزه متحد همه

نیروهای صلح دوست و انقلابی و دمکراتیک در راه براندازی رژیم ولایت فقیه است. اتحاد دو یگانگی همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک ایران گامی مهم و ضروری در این راه است. ما یقین داریم که تالان پیگیری برای بسط اتحاد و همکاری های رفیقانه و برای تامین یگانگی فکری و سیاسی

مزدوران رژیم را در دستبیا به اسرار سازمانش تا کام گذاشت و سرانجام در خمیان در مانده و شکست خورده، محمود، این هم رزم دلاور رفیق ارغمانی و شاکر دویا و رمیمی رفیق جزئی، معلم فروتن گراگان تهران، و مومرزوهای دشوار سازمان را بعد از پیش از دست سال خدمت بی شائبه به مردم کشور تیرنا وان کردند.

با رفیق محمود را با تداوم راهش و با یبندی بیش از پیش به آرمان مشترکمان زنده بداریم. با دشمن گرامی و راهش پرهرو بداریم.

بیم و امید ... بقیه از صفحه اول

دست و پا کند. تلاش ریگان برای تغییر و تعدیل وسیع قرارداد مزدبورد کمیته امور خارجی مجلس نمای آمریکا با مخالفت مواجه شده است.

توافق اصولی میان وزرای امور خارجه اتحاد شوروی و آمریکا بویژه اینکه با خبریدار رفیق الوقوع رهبران دو کشور همراه بود، امیدتازه ای در دل جهانیان برانگیخت. اغلب رهبران و شخصیت های کشورهای مختلف جهان حصول موافقت اصولی فوق و کوشش هایی را که در راه تدوین قرارداد مربوط به تقلیل ۵۰ درصد تسلیحات استراتژیک و تعرضی بعمل می آید، موردتایید قرار دادند.

درست در همان روزهای مذاکره و حصول توافق و بلافاصله پس از آن، توافقنامه سه مورد عملیات سخت محافظه کاران افراطی در آمریکا و ژنرالهای "نا توشی" فرا گرفت، که گویا توافقنامه فقط بسود اتحاد شوروی است. بویه سیستم دفاعی غرب ضرر خواهد رساند، در حالی که در صورت عملی شدن توافق مزبور، اتحاد شوروی تعداد بسیار تری کلاهک هسته ای در مقابل با آمریکا نابود خواهد کرد و تسلیحات هسته ای انگلیس و فرانسه هم دست نامد. باقی خواهند ماند.

هنوز یکماه از حصول توافق نگذشته است که جورج شولتز در سفر اخیر خود به اتحاد شوروی که برای ادا همه مذاکرات و استگتن بررسی دیدار رفیق الوقوع رهبران اتحاد شوروی و آمریکا صورت گرفته بود، در مذاکره با میخائیل گابریل رهبر شوروی با اصرار بر اجرای برنام "جنگ ستارگان" عملاً انجام دیدار را با مشکلاتی مواجه گرداند. "گاسپاروین برگر" وزیر دفاع آمریکا و نیز ریگان با تاکید مجدد غیر مسئولانه بر انجام برنام دفاع استراتژیک (جنگ ستارگان) در آستانه توافق فوق نگرانی جدیدی را بر عا گردیدند.

در برخورد با مسائل ملی که فرا راه جنبش ما قرار میگیرد، بین سازمان ما و حزب شما، برای اتحاد و همکاری همه نیروهای مترقی کشور در جهت صلح، آزادی و برابری رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به خلق، با سخنی درخور به بنیاد مبرم جنبش انقلابی کشور است.

ما از همه نیروهای ترقیخواه ایران می خواهم که به این ضرورت حیاتی با سخویند و مسئولیت خود را در مقابل جنبش انقلابی میهن انجام دهند.

رفقای عزیز!

برای سازمان ما اینکه حزب برادر، حزب توده ایران، بردشوار و ضربات سهمگین رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی فائق می آید و برای انجام مسئولیت های خویش آماده ترمی شود، مسرت بخش است. بنیاد جنبش انقلابی میهن ما است که صدای حق طلبانه کمونیستهای ایران را ترشود و همه پیروان سوسیالیسم علمی، همه کمونیستهای ایران در راه اهداف انقلابی و ترقیخواهانه خویش در رزم انقلابی علیه استعمار و استمگر و محرومیت، متحد، یکپارچه و پرتوان پیش روند.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، با دیدگر چهل و ششمین سال بنیاد نگاری حزب توده ایران را به کمیته مرکزی و همه اعضا و هواداران حزب شما میمانه تبریک می گوید و برای حزب برادر پیروزی های بزرگ در مبارزه انقلابی پیش رو آرزومی کند.

با درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) مهرماه ۱۳۶۶

حمله تجاوزکارانه ... بقیه از صفحه اول

هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) از دولت هایی که عملیات تجاوزکارانه آمریکا را محکوم کرده اند تقدیر و بیهوشی می کند. عمل آمریکا را موردتایید قرار داده اند. شدیداً اعتراض می کنند.

هیات سیاسی با دیدگر موضع اصولی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در زمینه پشتیبانی از قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را موردتایید قرار داده و هرگونه تلاش برای ادا به جنگ و یا توسعه جنگ و نیز عمل حنا یکتا رانه بمباران شهرها را تحت عنوانی و از هر جانی که باشد شدت محکوم می کند. آتش بس نباید لحظه ای هم به تعویق انداخته شود. جنگ با یدفورا وبدون قید و شرط قطع شود. دستبیا به صلح باید اوکل کلیه اختلافات دو کشور قطعاً از طریق مذاکرات و بیکار همکاری سازمانهای بین المللی امکان پذیر است. حل مساله جنگ از طریق نظامی هم چنان یکتا رانه و هم غیرممکن است.

مردم میهن ما توطئه های امپریالیسم آمریکا و نقشه های رژیم خمینی را با مبارزه هرچه قاطعتر در راه قطع بیدرتک جنگ خشن خواهند کرد.

مرگبار امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا زنده با صلح، زنده با آزادی، مرگم رژیم خمینی

هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۲۸ مهرماه ۱۳۶۶

به برنامه های رادیو زحمتکشان ایران گوش فراد دهید

رادیو زحمتکشان ایران، صدای آزاده کارگران و زحمتکشان کشور و صدای برحق تمام محرومان میهن است.

رادیو زحمتکشان ایران روزها از ساعت ۷ بعد از ظهر به مدت یک ساعت روی امواج کوتاه ۷۰۰ کیلوهرتز، ۲۸ متر، ۴۹ متر و ۶۰ متر برنا می پخش می کند. این برنا به مدت ۸ ساعت ۸۰۰ متر و ۷۰۰ متر و ۷۰۰ متر تکرار می شود.

ساعت و طول موج رادیو زحمتکشان ایران، صدای رسای صلح و آزادی را بخاطر بسپارید. وقت و طول موج آن را به همه بگویند و در همه جا بنویسید. برای مگاتیبه با رادیو زحمتکشان ایران به آدرس تشریح کار را رگان کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بنا به بنویسید.

زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!

پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به زندانیان سیاسی

رفقا و مبارزان دربند!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما فرزندان جانباز خلق که در سیاهالهای رژیم رודروی جلادان ایستادهاید و بیخاطر شرف و انسانیت می رزمید، درودهای آتشین می فرستد. مردم میهن ما مبارزه و مقاومت شما در اسارتگاه های رژیم را نمودار مبارزه متعالی خود علیه ارتجاع حاکم می دانند و در مقابل به بل تالش های رژیم که می گوید از زندان جلوگیری کندمدای و قهرمانی شما در خارج از زندان را جویباری با حق طلبانه و مبارزه جویانه تان را در جبهان با زتاب می دهند. در یک سال ونیم گذشته رژیم تلاش کرده است با تان مبارزه را بپنجا ن کندارد و نتکار را از آوازه ایستادگی و رژیم پرشکوه تان ازورای دیوار سیاهالهای رژیم بگذرد، اما رژیم در این کار ناکام ماند و چون با تان با تالش همه نیروهای مترقی افشا شود اعتراض وسیع محافل آزادیخواه را علیه رژیم برانگیخت.

مبارزان دربند!

یک سال از یورش رژیم رذیله رژیم و با زداشت بیش از یک هزار زندانده فدایی می گذرد. سیاه مزدر با همدستی همه دستگاه های جاسوسی رژیم با همه نیروی تالش کردنده فعالیت انقلابی سازمان ما را متوقف کند و بدین وسیله مردم را از اصلاح نیرومند خود در بیچارگی رژیم چهل و چنانچه متفکر محروم سازند. علیرغم تالش های خونبار ارتجاع، سازمان ما با عزم استوار در راه چیرگی بردواری ها و مقابله با یورش های رژیم و تدارک گسترش هرچه قاطع تر نبرد علیه ارتجاع پیش می رود.

رژیم قتلها برای ادا همه جنگ خانمان براندازیه بسیج هر چه بیشتر نیرو از زمین نوجوانان و جوانان ننازدار داد. اما اکنون رژیم دیگری توانسته است گذشته به این کار اقدام کند. آنگاه روزافزون جوانان و نوجوانان و با همه هیت ضد مردمی حکومت قتلها و اهداف عظمت طلبانه و دروغی آن در جنگ، مانع اساسی رژیم در بسیج نیروی ارتجاع است. لذا رژیم برای حل این مشکل مجبور شده است تا به سیاهالهای تان ز تری رو بیاورد. یک روزی این سیاست جدید ارائه می شود. متیارات به کسانی است که در اولی حضور در جبهه ها شوند. این امتیازات در مقابل به با آینه بی چشم اندازی که به دلیل بحران همه جا نیست اقتصاد - اجتماع - در بر جوانان و نوجوانان ما قرار گرفته، روزنه باریکی را می گشاید. در واقع امری است که در آن حکومت از همه استیصال کند خود بوجد آورد و رنده اش بوده اند، به زشت ترین شکلی استفاده می کنند. روی دیگر این سیاست، همان سوبه در برینده جمهوری اسلامی یعنی جاق، زور و تهدید است.

اگر تنها به تصمیمات حکومت در سال جدید در مورد سیاهال بسیج نیرو برای جنگ نظری بیفکنیم هر دو جنبه این سیاست به روشنی پیدا است. بر اساس منویبه شورای عالی آموزش و پرورش که در فروردین ماه امسال اعلام شد، در سال تحصیلی جاری دانش آموزان پسردر سال چهارم دبیرستانهای روزانه که در امتحانات خرداد و شهریور قبول نشوند برای سال دوم مجاز به شرکت در کلاسهای روزانه نیستند. در آفرین آن امتحان دیگری گرفته می شود. در این امتحان سوم قبول می شوند و به جبهه اعزام خواهند شد. این تصمیم به نفع سیاهال برودنی عمده ای از دانش آموزان بود که برای به تعویق انداختن اعزام به قتلگاه، حاضر به تکرار سال آخر دبیرستان بودند. در همان ماه

وزارت فرهنگ و آموزش عالی نیز اعلام کرد، دانشجویانی که حداقل سه ماه در جبهه باشند، به تسهیلاتی حتما قبول خواهند شد. در اردیبهشت ماه در مسیلمان مشترک مسئولین آموزش و پرورش و سیاهال پاسداران طرح پاسدار - دانش آموزی و سیاهال بر اساس این طرح از میان دانش آموزان سیاهالی سوم و چهارم متوسطه فرادرسورنوسیا به برگزیده می شوند و به آنها کمک هزینه تحصیلی پرداخت می شود. آنها پس از اخذ دیپلم با بلافاصله جذب کادر سیاهال می شوند. این افراد در دانشگاه " پاسدار - دانشجو " خواهند شد. این افراد از زمان ابتدای پدیا سیاهال پاسداران همکاری همه جانبه نمایند. در آغاز تا سطح رواج عمومی سیاهال در مدارس و کلاسهای اعلام کرد: "دا وظیفه ای که در کنگر شورسکرک می کنند، چنانچه تا آخر تیرماه به لشکر پاسان مدافع خلیج فارس بپیوندند، علاوه بر استفاده از تسهیلات رزمندگان در کنگر، مدت آموزش و حضورشان در جبهه جزو خدمت وظیفه عمومی محسوب خواهد شد. ۲۳ تیرماه در مجلس آخوندها طرح تصویب شده بر اساس آن کلیه کسانی که به سن ۱۶ سال رسیده اند، هرگاه به طور داوطلب در جبهه خدمت کنند، و مجموعه دوره آموزش و حضور آنها در جبهه

همزمان دربند!

جمهوری اسلامی در اترجنگ، ورشکستگی اقتصاد و تشدید دشمنی با خلق، اختلافات روبه افزایش داخلی و فساد و جناحیت می پوسد و راه زوال می پیماید. رژیم برای حفظ حکومت خود از بحران که تارو بود جا مع را به لوزه در آورده است و برای به تاخیر انداختن روز ستا خیر خلق، با ردیگر جوخه های اعدا م را برپا داشته است، آنها حتی علیه همکاران سابق خود نیز شلیک کشیده اند. درامه های اخیر با ردیگر اطلاعات نگران کننده ای که از درون زندانها به خارج در ز کرده است، حاکی از اعدام فدائیان خلق و دیگر انقلابیون دربند است. اعدا م انقلابیون دربند، این رژیم را در میان خلق ما و در جهان بیش از پیش مطرود کرده است. آندیشه و آرزوی تان بودی رژیم در طلب و روح مردم ما بیش از پیش نفوذ می کند. خلق ما در مدتی رژیم علیه زندانیان را سرانجام با پاک کردن لکه شنگ جمهوری اسلامی از دامن میهن پاسخ خواهد داد.

مبارزان زندانی!

بزرگترین نیاز جنبش مردمی ما، اتحاد ما در مترقی ایران علیه رژیم مبارزه می کند. پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما در راستای تحقق این هدف نقش سنگینی را بردوش گرفته است. تا زمانه ارتجاع بیکر ز منگان خلق ما را به عقیده ای، به یکسان می دزد. سنگرزندان گویای این حقیقت است که اختلاف موجود نسیا بدما نغ همگاری و عمل مشترک در برابر بردمن مشترک گردد. به دشمن نیاید اجازه داد که در صفوف انقلابیون تفرقه افکند و از آن برای تضعیف جنبش، بهره گیرد. مسئولیت انقلابی و عقل

کمتر از سه ماه نباشد، این دوره جزو خدمت دوره ضرورت آنها محسوب خواهد شد. در شهریور ماه نیز قانونی به تصویب رسیده که به خانواده های که جوانانشان را به جبهه اعزام می کنند، کمک مادی پرداخت شود. تمام این نقشه های که در برابر شما در واقع دانه با شیدن برای نوجوانان، جوانان و خانوادها ی زحمتکش تان بود تا برای نجات یافتن از قفسر بیگاری و بدو واقع مرگ تدریجی، حضور در جبهه های مرگ را انتخاب کنند.

از رنج و رزم جوانان

اکنون به بررسی حربه زور و تهدید توسط رژیم چماقداران برای شکار جوانان در چندماه گذشته بپردازیم. ۱۵ تیرماه از سوی سیاه پاسداران اطلاعیه ای مکرر از دیوخواه شده شود اعلام گردید: " تا توجه به منویبه مجلس شورای اسلامی جهت دستگیری مسئولین غایب و کارفرمایانی که آنها را به کاری می گیرند، از امروز سیاه با شدت عمل بیشتری اقدام خواهد کرد. به این منظور ستاد جهت جذب مسئولان و جلب مسئولین فراری و غایب در ستاد مرکزی سیاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شده است. " در سلسله عملیاتی که در تهران و شهرستانها برای دستگیری مسئولان غایب توسط سیاه انجام گرفته هزاران جوان قربانی خواستند در راه چون جنگ طلبی سران رژیم قربانی شوند، به زور به پادگانهای نظامی گسیل شدند. سیاه پاسداران در اطلاعیه دیگری به همه جوانان کشور خطا کرد: کلیه افراد ذکور در سراسر کشور که سالهای مسئولیت هستند، باید دگوشی با مدارک حاکم از پان یا عدم مسئولیت خویش به همراه داشته باشند؛ اداره وظیفه عمومی در آیین نامه جدیدی که در تیرماه منتشر کرد، اعلام داشت: " برای مسئولین غایبی که خود را معرفی کنند ۳ ماه خدمت اضافی بعنوان جریمه پیش بینی شد و برای آن دسته از مسئولان غایبی که توسط مراکز نظامی دستگیر می شوند، ۶ ماه اضافه خدمت مقرر گردیده است."

ستاد جنگ آموزش و پرورش در اجلاس ۸ بهمن ۶۵ تصمیم گرفته بود که: از هر دبیرستان و مدرسه راه نمایی حداقل ۴ دانش آموز داوطلب - به همراه ۲ از پرسنل داوطلب - راهی جبهه های نبرد با دشمن خواهند شد. " مدت حضور این قربانیان بین ۴۵ روز تا ۳ ماه در جبهه در نظر گرفته شده بود. برای تضمین افزایش این تعداد، ستاد جنگ آموزش و پرورش تصمیم تازه تری گرفت. یکی از مسئولان این ستاد در ۲ تیرماه در گفتگویی با روزنامه همسایه اعلام داشت: " در سال تحصیلی جاری، طرح سازمان رزمی دانش آموزان با اجرای صحیح و آت آموزش نظامی به اجرا گذاشته می شود. در اجرای این طرح هر آموزشگاه به یک پادگان تبدیل خواهد شد. فرما ندان آن از معلمین آموزش دیده و جبهه

سليم حکم می کند که در برابر دشمن، بیکار رنجی مبارزه همه ما حفظ و تحکیم شود. دست در دست یکدیگر و با زور و با زوی هم می ایستیم و روز سرنگونی این رژیم بلیدرا نزدیک و نزدیک تر خواهیم ساخت. اتحاد شرط پیروزی است.

رفقا و همزمان زندانی!

تاریخ به خون آغشته کشور ما رسالتی سترک بر عهده شما گذارده است، رسالتی که اینک شما با خون خود تراپاس می دارید. شما با ایستادن خود با رزم خود، دشمن را خوار می دارید و با خون و شیر جان خود در فتن رزم خلق را برافراشته اید. ایران و جهان می دانند که امروز نوک سرنیوز استبداد دوا ارتجاع بیش از همه و بیش از هر کجا جهان برسیه شافشده می شود. خوش حمایت از رزم حماسی شما در ایران و جهان هر روز بر تری تری افکن می شود. میلیونها مردم ستمدیده ایران پشتیبان هدفها و مبارزات ما و بر ضد رژیم ارتجاع اند. راه مابوسی پیروزی هوار میسر گردد. با ردیگر در زندان و بیسن، در زندان ایران، گشوده خواهد شد و آزادی و صلح و عدالت بر کشور ما حکمروا خواهد گشت.

درود آتشین بر زندانیان سیاسی
تنگ و فشرده بر رژیم ارتجاع
پیروز بسا دمبارزه خلق

پلنوم کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مهرماه ۱۳۶۶

رفته انتخاب می شوند. در مردادماه نیز به تصویب شورای عالی پشتیبانی جنگ، چندواحد درسی جدید، به نام " انقلاب و جنگ " به تعداد واحدهای اجباری که دانشجویان دانشگاه های کشور را به یکدیگر انداخته شده شده دروس علمی آن درجیه ها تدریس خواهند شد.

بسیترین فشار در دوره اخیر بر فرزندان زحمتکشان دهقانان بوده است آنها با استفاده از شرایط زندگی که در روستاها دارند، بیش از دیگران خواستند از زیر بار " اجباری " شانه خالی کنند و بزرگترین عده پشتیبان نظام وظیفه را تشکیل می دهند. اطلاعیه ۳ تیرماه رژیم مبنی بر دستگیری خانواده مشمولین فراری، بیش از هر کس متوجه خانواده روستاییان جوان بود. در واقع

این اطلاعیه، صورت قانونی دادن به گروگان گیری والدین مشمولان فراری در روستاها بود، که از مدتی قبل از آن آغاز شده بود. از اندامی و نیروهای فرسنتی سیاه که از دستگیری و اعزام این جوانان نا امید شده بودند با گروگان گیری خانواده ها تلاش دارند تا فراریان از " اجباری " رهایی یابند. این ابطال دفترچه آرزاق خانواده مشمولین گایب در روستاها نیز در سلسله همین اقدامات بود.

همه اقداماتی که برشمرديم، نشانه ضعف و زبونی رژیم برای بسیج نیروی نداشتند به بالا رفتن روحیه مقاومت و متناع در میان توده های جوانان و نوجوانان است. آنها مدت است که می بینند برادر، دوست، همکلاسی، همولایتی و هممخلایان را با تطمیع و تهدید می برنویسند یا از مدتی تا یک ماه به راه های جنازه ها شورا بر می گردانند یا برای تمام عمر معلول و زکا را فتنه تحویل میدهند یا به اردوگاه های اسرا عراق می سپارند و یا جزو مفقودان آنها می شوند که هیچ نشانه ای از آنها در روزگار باقی نمی ماند. آنها برای گریز از این سرنوشت شومی که سران جمهوری اسلامی برای ایشان تدارک دیده اند به هر ترتیب ممکن از رفتن به سرپای و حضور در جبهه متناع می کنند. فضای سی که اکنون در پادگانهای آموزشی و مناطقی عملیاتی میان جوانان وجود دارد، به سفره گرفته شدن مزدوران سیاسی - ایدئولوژیک و طردو انزوا آنها، پر خاشاک علیه فرماندهان مزدوران، متناع از شرکت در محلات و اعتراض به اهداف ارتجاعی این جنگ، همگی نشانه های روحیه ای است که از برقراری صلح دفاع می کند. این جنبش مقاومت و متناع جوانان که روز به روز در حال گسترش است، می توانستد ما شین جنگی رژیم را فلج کند. با پدیا حمایت و پشتیبانی از جوانانی که از خدمت وظیفه فرار کرده اند، با سازمانگری حرکات اعتراضی علیه جنگ در پادگانها و جبهه ها و در عین حال آگاهگری دلسوزانه در میان نوجوانانی که شیطان جماران هنوز هم می تواند فریبشان دهد، جنبش صلح را در میان جوانان گسترش داد. مبارزه جوانان علیه جنگ از حلقه های موثرشاری است که در داخل کشور و سراسر جهان بر سران جنایتکار رژیم خمینی وارد می شود تا به این جنگ خانمان برانداز پایان دهند.

پیام شادباش پلنوم به ک- م حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت هفتاد مین سالگرد انقلاب کبیر اکتر

رفقای گرامی!

کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) بفرخنده ترین و صمیمانه ترین تبریکات و درودهای خود را به مناسبت هفتاد مین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر به شما، به حزب و کمونیست و دولت و خلق شوروی ابراز می‌دارد. انقلاب اکتر که با با زوان توانای طبقه کارگر روسیه و رهبری بلشویکیا و لنین کبیر به پیروزی رسید، شکاف و لرزه عظیمی بر بیگانه نظام پوسیده سرمایه داری جهانی وارد آورد و با استقرار نظام نوین سوسیالیستی و گذشتن دوران جدیدی در تاریخ، دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و کمونیسم سیمای تاریخ و حیات بشریت را در گریه نمود.

با پیروزی اکتر در سرزمین پهنا و روسیه نظامی بی افکنده شده که برای همیشه به سروری استعمارگران و استبدادگران منقطع با این گذاشت و خلق شوروی حق دار خود بخود بلکه سعادت آغساز ساختمان دولت شوراها و آغاز دوران نوین در تاریخ جهان، دوران سلطه طبقه نوین را نصیب خود کرد.

انقلاب اکتر و دولت جوان برآمده از آن برای اولین بار مناسبت جدیدی بین دولت ها بر اساس احترام متقابل عدم مداخله در امور یکدیگر، همزیستی مساوی و بی چون و چوایی بی ریخت و با اعلام "فرمان صلح" از همان فردای پیروزی انقلاب اکتر نوید دهنده صلح و سعادت بشریت گردید. با ایجاد نخستین دولت سوسیالیستی، پرولتاریا و جنبش کمونیستی و کارگری جهان از پشتوانه نیرومندی برخوردار شدند و جنبش های آزادیبخش ملی سراسر جهان نیروی تازه ای یافتند. جنبش های آزادی بخش در خارج از سرزمین ایران با الهام از پیروزی انقلاب اکتر و با برخورداری از پشتیبانی دولت شوراها و از کیفیت جدیدی گرفتند. مردم مین با هیچگاه اقدام دولت شوروی و لنین بزرگ را که همه قرائدهای استعمارگران و دولت استعماری با کشورها را بی اعتبار اعلام داد و آنرا از یاد نخواهد برد. مردم ما علیرغم تبلیغات زهر آکین و کینه توزانه امپریالیسم جهانی و ارتجاع ایران علیه

کشور شوراها و انقلاب اکتر، همواره اتحاد شوروی را دوست، متحد و پشتیبان بزرگ خویش می شناسد.

رفقای گرامی!

اکنون ۷۰ سال پس از رویداد بزرگ و تاریخی اکتر به جا صدها کشورهای سوسیالیستی بمثل با اردوی قدرتمند جهانی که یک سو جمعیت گره زمین را در بر گرفته است، بر زمین استوار مناسبت تولیدی و اجتماعی سوسیالیستی و بهره گیری از امکانات جدید و تجاری بر سرشایستی دهها ساله خونخواره های جدید تری را برای تا مین هر چه بیشتر عدالت اجتماعی در جوامع شان دنبال می کنند. دستاوردهای تاریخی کشور شوراها و دیگر کشورهای سوسیالیستی در این سالها محو استعمار، برابری خلقها و تا مین عدالت اجتماعی قرار دارد، مایه الهام و مشوق زحمات و تلاش سراسر جهان در مبارزه شان بخاطر تا مین سعادت و عدالت اجتماعی است. تحولات مترگسی که هم اکنون در جامعه شوروی در حال وقوع است و تلاش سختی که از جانب حزب و دولت شما دنبال می شود، امیدهای با زهم بیشتری را در دل زحمت کشان جهان برمی انگیزد. حاصل همه اینها سخت کوشی و تلاشها نه فقط در خدمت تا مین زندگی سعادت مند تر برای مردم شما که در خدمت حفظ حیات و تمدن بشری و حفظ و تحکیم صلح جهانی است. این تحولات می تواند بر پیشروان و پیشروان انقلاب جهانی و بر تحقق اهدافی که مبارزه نیروهای انقلابی و دموکراتیک در سراسر جهان بخاطر آن گسترش می یابد، تا شریخواه ها هدایت کند. روند نوین را در اتحاد شوروی به مثابه ادامه راه دارد که هدف توکرتن تمام جوامع است. اتحاد شوروی و آنکا گردن هر چه بیشتر خصلت پیشرو و پیشرو است. تا مین سوسیالیستی را در تمام جوامع دنبال می کند، با اتکا بر خلاقیت توده ها و روشدینگی ملل همه جا نه تر دموکراسی و خودگردانی سوسیالیستی، تحکیم تضابط و نظم و گسترش علمیت، راه خود را موفقتان می کشد.

رفقای ارجمند!

کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) در شرایط بحرانی واقع کنونی جهان

پیام پلنوم به کنفرانس دوم حزب دموکراتیک خلق افغانستان

رفقای گرامی!

رفقا نه ترین و خوشترترین درودهای ما را بپذیرید. پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) از اینکه دومین کنفرانس سراسری حزب برادر، حزب دمکراتیک خلق افغانستان در روزهای آتی برگزار می شود، شادمانی بی شائبه خود را اظهار می دارد و با شادباش های گرم و پرشور برای آن اعلام اهمیت تاریخی شما موفقیت و پیروزی آزومی کند.

دومین کنفرانس سراسری حزب دمکراتیک خلق افغانستان در شرایطی برگزار می شود که اوضاع جهان و منطقه ما، قسلاً از هر چیزی با برنجی فزاینده آن مشخص می گردد. اهمیت تاریخی دومین کنفرانس حزب برادر ما از آنجا ناشی می شود که در نتیجه این کنفرانس جنبش کمونیستی برای آزومی در افغانستان مستقل و موافقی که فراروی شکوفایی افغانستان مستقل و آزادتر را در راه می کشد. ما اطمینان داریم که اجلاس سکوهمند شما به آنچه که در دستور خود دارد در پیرو فرده تر ساختن صفوف رزمندگان حزب به سوسیالیستی تمام با سخاوت خواهد گفت. به سیمای ملی و مردمی جدید دمکراتیک خلق افغانستان درخشش تازه خواهد بخشید و بیوند حزب را با توده های میلیونی افغانستان مستحکم تر خواهد ساخت.

رفقای عزیز!

عمده ترین و خطرناکترین حلقه در سلسله زنجیر توطئه های دشمنان سردم ما در این زدن به تفرقه و جدایی در میان آنهاست. در راه وظایف ما - پیشگامان خلق - تا مین یگانگی، اتحاد و اتفاق در میان توده های خلقی و در صفوف همه نیروهای است که به صلح و سعادت مردم اندیشه می کنند و استعداد آنرا دارند که در راه مترگ و شرافتمندانه ای که برگزیده ایم همراه و همگام ما باشند. پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) از اینکه بخردمندانه حزب دمکراتیک خلق افغانستان، از مین ما ملحه ملی که اتفاقاً صلح جهانی به خلق آزاد افغان آماج مقدس آن است قاطعانه خلق پشتیبانی می کند، ارزیابی ما این است که مشی مصالحه ملی، مشی صلح، دوستی و برابری هم

که محافل نظامی - صنعتی امپریالیسم همچنان بر گسترش تولید و ذخیره انواع سلاحهای کشتیبار جمعی پای می نشینند و با تلاش دیوانه واری با هدف کسب برتری نظامی بر اتحاد شوروی جهان را به لبه پرتگاه جنگ هسته ای می کشانند، از مایه مسئولانه و همه جا نیه حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی در راه تا مین امنیت و صلح جهانی، قاطعانه حمایت می کنند و مبارزه پیگیر در راه دستیابی بشریت به صلح پایدار را وظیفه همه نیروهای مترقی جهان می شناسد.

امپریالیسم آمریکا با بهره گیری از جنگ و برابری ایران و عراق که محاسب پر شمار بر مردم دو کشور تحمیل کرده است به لشگرکشی بی سابقه ای در خلیج فارس دست زده است. استقرار بیش از ۸۰ رزمنا و آمریکا و همستان "نا توی" آن اوضاع منطقه را آنچنان آشفته کرده است. مردم مین با گذر از جنگ خسته و بیزار شده و خواهان پایان هر چه زودتر آن هستند، حضور نیروهای نظامی امپریالیستی را در خلیج فارس محکوم می کنند، سیاست خروج نیروهای نظامی خارجی از منطقه خلیج فارس و قطع بلادرنگ جنگ که از جانب اتحاد شوروی مسئولانه دنبال می شود، مورد تأیید و حمایت مردم مین است.

رفقای عزیز!

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) با ردیگر آزومی همه اعضا و هواداران سازمان، طبقه کارگر و همه مردم ایران، گرم ترین تعینت های خود را بمناسبت هفتاد مین سالگرد خصلت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر به شما و حزب کمونیست و خلق شوروی اعلام می دارد و توکرتن هر چه شکوفان تر سوسیالیسم را در سرزمین شوراها آزومی کند.

بازنده با د انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر با برابری دوستی خلقی ایران و شوروی با پیرو فرخنده درودهای کمونیستی پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت)

کردار است. اکنون جنگ افروزی های تبهکارانه رژیم فقی خلیج فارس را به جولانگاه ناوهای آمریکا بی و متحدین تا مین آن مبدل ساختند. خطر گسترش جنگ در سراسر آسیای خلیج همچنان روبه افزایش است و بشریت را در آستانه یک فاجعه بین المللی قرار داده است. کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) همانگونه که با راه اعلام کرده است، لشگرکشی های نظامی به منطقه و هرگونه راه حل نظامی برای جنگ را شدیداً محکوم می کند. پشتیبان تلاشها و با تکیه بر راه آزومی برای سالها جنگ هستیم. از قطعنامه شوروی امنیت و از تلاشهای دیپلماتیک سازمان ملل در راه برقراری آتش بس و استقرار صلح میان دو کشور قاطعانه پشتیبانی می کنیم، و از همه دولتها، مجامع بین المللی و نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان می خواهیم که از خواست عادلانه مردم مین ما مبنی بر قطع جنگ و استقرار صلح و خروج همه نیروهای خارجی از خلیج فارس حمایت کنند.

رفقای ارجمند!

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) می گوید از طریق یافتن با سخای اصلی برای مسایلی که فراروی خود دارد، وحدت صفوف سازمان را استحکام ببخشد و با تکیه بر آن برای وحدت جنبش کارگری و کمونیستی ایران و نیز اتحاد رزمجویان همه نیروهای ترقیخواه کشور علیه امپریالیسم و ارتجاع را به پیش ببرد. ما تکیه می داریم که حفظ و تحکیم وحدت در سازمان های ما یگانگی تضمین مطمئن دستیابی مردم هر دو کشور ما به صلح و سعادت با زکشتن با پذیر است.

اجازه دهید با ردیگر برای اجلاس تاریخی کنفرانس دوم حزب برادر، حزب دمکراتیک خلق افغانستان موفقیت آرزو کنیم و پیشاپیش پیروزی اقدام تاریخی شما در برگزاری این کنفرانس و توفیق آن در اتخاذ تصمیم مهم قفر آفرین را تعینت بگوییم.

هر چه مستحکم تر با دیوانه گری گسست با پذیر حزب دمکراتیک خلق افغانستان و سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت)

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) مهر ماه ۱۳۶۶

پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضاء و هواداران

رفقا!

توده‌های مردم برای ثروفلات اقتصاد کشور که بطوروفته‌ناپذیرا بعباد زرفتری می‌باید در وضعیت سخت و طاقت‌فرسا بی‌سر می‌برند، مردم در برابر فقر و سیه‌روزی که رژیم ولایت فقیه به آنها تحمیل کرده است می‌خواهند عدالت اجتماعی بی‌برونگی آنها را من گسرد. شدیدتفا‌دهای اجتماعی و عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی در جامعه از یک سو و عمق بیگانه‌گی رژیم خمینی با مطالبات مردم و نیازهای رشد جامعه از سوی دیگر، زمینه‌های عینی گسترده‌ای برای گسترش فعالیت انقلابی و سازمان‌نگارانه ما پدید آورده است و همه واقعیت‌ها حکم می‌کنند که در برابر سرنوشته میهن و مردم خود عمیقاً احساس مسئولیت کنیم و با متحد کردن همه سازمان‌ها و نیروهای انقلابی، دمکرات و ترقیخواه، بمنظور استقرار صلح و دموکراسی و سرنگونی رژیم ارتجاعی ولایت فقیه به مسئولیت تاریخی خود ادامه عمل بی‌وقفای کنیم.

متأسفانه در برابر چنین مطالبه‌ای، سیر و پدید آمدن سازمان‌های چپ ایران حاکی از گسترش پراکنده‌گی‌ها و تفرقه‌هاست. توانایی سازمان‌ها در غلبه بردن‌های‌ها می‌که فراروی آن قرار داد در درگسترش روند همگرا بی در جنبش چپ ایران و ارتقای نقش و تاثیر آن در پدید آمدن سازمان‌های چپ استوار بنا پذیرا است. همه واقعاتی که جنبش سازمان‌ها را احاطه کرده‌اند نشان می‌دهند و نشان داده‌اند که در پیشرفت تلاش‌ها در راه نزدیکی نیروهای چپ و همه نیروهای ترقیخواه کشور سازمان ما نقش بی‌بدیلی بر عهده دارد. پلنوم کمیته مرکزی تا کیداردکس در انجام وظایف ما در جنبش کارگری و کمونیستی ایران و در پی آن در انقلاب فداکاری می‌بایست - دمکراتیک مردم‌پسند، در راه استقرار جامعه‌گرا، تا مین عدالت اجتماعی و پیشروی بسوی سوسیالیسم، حفظ وحدت رهبری و یکپارچگی رزمجویانه سازمان اهمیت اساسی دارد.

پلنوم همه‌کارها و اعزای سازمان را به تلاش مسئولانه برای حفظ و تحکیم وحدت و یکپارچگی سازمان فرا می‌خواند و یادآوری می‌کند بدون باور عمیق به توانایی سازمان در حل مسایل جنبش پاسا‌ری از هویت انقلابی و وحدت و یکپارچگی سازمان پرافتخار ما غیرممکن است.

رفقای عزیز!

در یکی از حساس‌ترین مقاطع حیات سازمان پلنوم قادر گردید - بسه مسایلی که پیش روی خودنیا ده‌بود، با موفقیت پاسخ بگوید، با برگزاری موفقیت آمیز پلنوم مهرماه ۱۳۶۶، در راه دستیابی به گسترش پیروزمند کننده‌ای که فدائیان خلق را حول اسناد مصوب خود متحدتر سازد و در فرجام آن، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یکپارچه‌تر و پیروزتر سازد و از همه پیش‌تر در میدان‌های نبرد قدردان قرار داد، گام بلندی به پیش برداشته شد. تجربه‌این پلنوم تا بی‌گذرد که تلاشهای مسئولانه کمیته مرکزی در راه پاسا‌ری ای دست به مسایلی که فراروی سازمان قرار دارد، می‌تواند و باید وحدت صفوف آن و مجموعه سازمان را تحکیم ببخشد.

رفقا!

پلنوم کمیته مرکزی همواره با پرشورترین درو‌ها تک‌تک شما را به مشارکت هرچه‌فعلی‌تر در راه تحقق تضمینات پلنوم، به تحکیم صفوف خود حول آن، بسه تلاش هرچه مسئولانه‌تر در راه کار بست مسئولانه‌ها ستا‌ه جدید، کار بست صحیح و خلاق اصل سازمان را تسلیس دمکراتیک، کار بست هرچه آگاهانه‌تر در احکامات انضباطی همواره با تلاش هرچه مسئولانه‌تر برای گسترش دمکراسی درون سازمان و به مشارکت خلاقانه در مباحثاتی که حول برنامه در سازمان جریان می‌یابد فرا می‌خواند.

فدائیان دست هم‌زیر آتش لاینقطع دشمنان راه پرفراز و نشیب هفده‌ساله را پیموده‌ایم، تجربه‌ها ما آموخته‌است که راه عبور از پیچ و خم‌های تنگ و دشواری که فرا زون‌تیب جنبش فرا روی ما قرار می‌دهد، همیشه با استواری و شجاعت و ایمان و به‌پیروزی، که با نام و قلب و روح فدایی خلق سرشته‌است، هموار گردیده‌است. تحکیم پیوند میان ما با توده‌های زمین‌گشس، با سازمان‌ها و آرمائش‌های آن همواره ما را در گذر از تشدید پیچ‌ها و دست‌بندی‌ها به مرحله‌نوبینی از تعالی و تکامل معنوی یاری داده‌است. امروز نیز ما همین وظایف را در برابر ما قرار داده‌است. مبارزه مستعدانه فدائیان خلق ایران با یقیناً قادر است راه تحقق آرزوی میهم خلق ما برای سرنگونی رژیم و استقرار صلح و دمکراسی را هموار و هموارتر و پیروزتر از آن سرولایت فقیه را نزدیک‌تر و نزدیک‌تر سازد. پیروزی از آن ما است.

سرنگون سازد رژیم جمهوری اسلامی
پلنوم کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مهرماه ۱۳۶۶

درو‌های آتشین کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما فدائیان خلق که علیرغم یورش ددمشانه رژیم خمینی درفش پرافتخار سازمان خود را همچنان آفرشته نگاه داشته‌اید، ایستادگی دلاورانه‌س و رزم فداکارانه شما پشتوانه تلاش کمیته مرکزی در حفظ و تحکیم وحدت رزمجویانه صفوف سازمان است. پلنوم کمیته مرکزی سبب‌های رفیقانه خود را شنا رشنا فرزندان راستین خلق می‌کند.

رفقای عزیز!

رژیم ارتجاع با تمام نیروی جهنمی خود می‌کوشد از ادامه فعالیت و نفوذ انقلابی فدائیان خلق بگا‌هدد. یورش جتایتکارانه رژیم خمینی در تابستان گذشته به تشکیلات ما و اعمال شکنجه‌های وحشیانه علیه بازداشت‌شدگان بی‌انگاریین تلاش ضد مردمی و نیزه‌های ارتجاع از نقش انقلابی فدائیان خلق بر سازمان‌نگری و هدایت مبارزات کارگران و زحمتکشان کشور است. خمینی ناگزیر از آن است که خیال خامش ساختن بانگ صلح و آزادی و استقلال و عدالت که در رزم خروشان ما طنین افکن است را به‌گورسپارد. ما در راهی که که با سر بلندی و افتخار، آگاهانه و دلاورانه انتخاب کرده‌ایم قدم‌بست نخواهیم کرد. آتش نبرد علیه رژیم خمینی، علیرغم شکنجه‌ها و اعدام‌ها شعله‌ورتر می‌گردد.

پلنوم کمیته مرکزی تلاش در راه حضور و گسترش فعالیت انقلابی فدائیان خلق در عرصه مبارزه توده‌های راضی‌فهمه و در از مدت سازمان شناخته و از همه شما می‌خواهد که با کار بست دقیق و هشیارانه اصول کار مخفی و روشمندی‌ها که بمنظور بازسازی و تحکیم واحدهای تشکیلات رایب شده‌و می‌تواند سرگویی ارتجاع به مقابله بر خیزید و همه نیروی عزم و اراده و آگاهی انقلابی را با یکا رگرفتن همه امکانات و ابیاتکارها در خدمت تحکیم و ادامه کاری واحدهای خود قرار دهید.

همه واحدها در سراسر کشور در رو‌دهای آتی همچنان موظفند قبل از همه امنیت خود را حفظ کنند و ارتباط خود را با رهبری تا مین و تحکیم‌نما بند، حفظ و گسترش فعالیت سازمان در میان توده‌های کشور ما در گرو توجه دقیق بسه این رهنمودها است.

رفقا!

جنگ خانما نوزوسی است‌های جنگ افروزانه رژیم ولایت فقیه آما چ‌نفرت ستیزنده مردم میهن ما است. در اس وظایف فدائیان خلق سازمان‌نگری مبارزات مردم علیه جنگ است. ما خواهان قطع بلادرنگ و بدون فیدو شرط جنگ و استقرار صلح هستیم. رژیم خمینی با ادامه جنگ و گسترش آن به‌آب‌های خلیج فارس به گسترش حضور و نیروهای نظامی امپریالیسم آمریکا یاری رسانده است. چگونگی برخورد با نیروهای جنگ بعد از زخمون کشی امپریالیسم آمریکا و هم‌دستان آن به‌خلیج فارس اهمیت و حساسیت از همه پیش‌تر یافته‌است. اولاً سبب مهم‌است که همه فدائیان خلق در سنگر مقدم مبارزه بخاطر قطع مداخله و حضور نظامی آمریکا در جنگ و در خلیج قرار گیرند. ثانیاً باید دقیقاً هشیار بود که رژیم خون‌ریز خمینی حضور مداخله نیروهای آمریکایی در منطقه را برای توجیه سیاستهای خائنانه و جنگ افروزانه خود دستا ویز قرار دهد، ثالثاً و مهم‌تر از همه آنکه با بدت ما جیات و جوانب سیاست و تاکتیک ما متوجه تا مین یک هدف یعنی آتش بس فوری و حل همه مسایل از طریق سیاسی گردد. وظیفه ما است هر چه و ترقی‌دهی که رژیم خمینی برای فرار از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بساری شعله‌ورتر نگاه‌داشتن آتش جنگ بکاری می‌گیرد، آفا کنیم.

رفقا!

رژیم ترور و اختناق در میهن ما پدید آمدی کند. فقط در یکسال گذشته بیش از ۱۰۰۰ نفر دیگرا ز رفقای ما را جلادان خمینی با اسارت برده‌اند. هزاران نفر رزمنده و مبارزان را دست‌بسته سازمان‌های چپ و عناصر دموکرات و مترقی صلح دوست و مخالف رژیم در زندان‌های خمینی اسیرند. بخصوص طی یکسال گذشته مت‌و مت‌مبارزه زندانیان سیاسی، این گور‌ها ن‌روزان و شب‌شکن میهن ستمدیده ما با اردیگربش رژیم ارتجاع را به نرزه در آورده‌است. دفاع بی‌گور‌ها تا نه بهر شکل ممکن و در هر زمینه‌ای از زندانیان سیاسی تحکیم بی‌وندی با قیامت زندان و درس آموزی از زندان امروز در پیوند تنگاتنگ با نیازهای رشد جنبش، تا مین شرایط ادامه‌کاری و ارتقای قدرت زندانیان آن قرار گرفته‌است. پلنوم کمیته مرکزی با ردیگربا اهمیت پشتیبانی فعال از مبارزانی که در زندان جریان دارد، برا اهمیت حمایت از خانواده‌زندانان سیاسی، بر افشای هرچه‌سبب ترجیبات رژیم در زندان‌ها و برا اهمیت حفظ پیوند نزدیک با زندان نگه‌گرفته، همه‌اعضا و هواداران سازمان را به انجام مسئولانه وظایفی که در این عرصه از مبارزه بر عهده‌اش است، فرا می‌خواند سازمان‌های خارج از کشور نیز با بدتش خود را در دفاع از زندانیان سیاسی ایران در مرکز توجه قرار دهند.

اطلاعه‌ی‌دی‌رخانه...

فعالیت انقلابی درس گرفته شود. مساله مرکزی مورد تاکید پلنوم در تودین مشی تشکیلاتی سازمان برای شرایط ترور و اختناق فعلی آن است که واحدها بکوشند ای سازمان با بندگه هم‌شرایط ادامه‌گیری آنان در دراز مدت تا مین شود و هم‌پیوند مستقیم آنان با محیط‌های کار روزندگی، با طبقه کارگر و دیگرتوده‌های زحمتکش و تقویت شود. پلنوم سبب‌ها را در راه کار خود یک رشته قرارهای ضرور در زمینه حفظ امنیت سازمان و تحکیم انضباط در صفوف آن را بسه تصویب رسانید.

پلنوم مسایل مربوط به سازمان‌های ویرانه‌ریزی دستگا رهبری سازمان را نیز مورد بررسی قرار داد. در این رابطه ترکیب هیات سیاسی و هیات دبیران و نیز کمیته ویران کمیته مرکزی رفیق فرخ نگه‌دارا ابقا کرد. پلنوم در پایان

کار خود قرار نتشار ریپام‌های زیر را مورد تصویب قرار داد:

- ۱- پیام به مردم ایران
- ۲- پیام به اعضا و هواداران
- ۳- پیام به زندانیان سیاسی
- ۴- پیام‌ها فدائیان به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به مناسبت انقلاب اکتبر

دبیرخانه کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مهرماه ۱۳۶۶

پیام اجلاس کمیته مرکزی سازمان به مردم ایران

برای صلح، برای آزادی پیکار کنیم!

جنگ افزایش دهیم، نباید بیداریم حتی یک روز دیگر جنگ ادامه یابد، نباید بیداریم جوآنیک ما بخاطر دشمنان ما کشته شوند، این ما هستیم که باید بیدار عمل را در قطع جنگ داشته باشیم، باید مبارزه در راه صلح را به مبارزه همه جانبه علیه استبداد ارتجاع، به مبارزه در راه نابودی رژیم ارتجاعی و ولایت فقیه پیوند دهیم.

هموطنان!
دروغی که بحران اقتصادی، بیکاری چندین میلیون، گران شدن و نبود آذوقه و دارو مسکن همراه با فاجعه های جنگ زندگی شما را به ناپستی سختی رسانده است در حالی که درسرا کشور ما اعتراض شما مردم ستم دیده علیه جنگ و رژیم ربه گسترش است، رژیم فقیه برای جلوگیری از انعکاس اعتراض و گسترش مبارزه شما همچنان به تشدید اختناق و پیگرد سرکوب و کشتار نیروهای مبارزان انقلابی مشغول است.

رژیم "ولایت فقیه" که از عمر و زیر فداییان خلق به سرحد جنون درخشان است، طی یک سال اخیر با وسیع ترین راهزنی ها کوشیده تا مانع فعالیت انقلابی سازمان ما شود. در این مدت بیش از هزار نفر از کارگران، معلمان و جوانان سازمان ما سیر شده اند. شکنجه گران جمهوری اسلامی فداییان اسیر را با زور کذاشتن هرگونه معیار انسانی و اخلاقی زیر شکنجه های مداوم جسمی و روانی قرار داده اند، تا جایی که چندین از رفقای ما زیر شکنجه جان سپردند. علیرغم پنهان کنی های رژیم این فاش شده است که طی ماه های اخیر نیز گروهی از اعضا و کارکنان رژیم فدیایی خلق همراه با چندین نفر از اعضا و کارکنان حزب توده ایران، سازمان ما را در زندان و دیگر سازمان های انقلابی و ترقیخواه زیر شکنجه و باس ز شکنجه های بسیار شدیدینا سی به شهادت رسیده اند، دانش پیگرد و کشتار مخالفین رژیم ولایت فقیه بجای رسیده که حتی دانشمندان و کارکنان خود رژیم را نیز گرفته است. اعدام مهدی ها همی و چند نفر از اعضای گروه اوگوا آن است که دارو بسته خودشان، رفیقانی، مخالفانی آنجا که پای منافع خودشان در میان باشد، حتی به نزدیک ترین گمشدگان هم کوچکترین رحمی نمیکنند. این رویدادهای خونین با ریدیکاردهای مخالفین با مطلع قانونی استبداد ارتجاعی و فاش شدن و کشته شدن مبارزه در راه سرنگونی رژیم ولایت فقیه هیچ راهی فراروی مردم ایران قرار ندارد.

هموطنان!
برندعلیه استبداد و فحشاء و بخرط آزادی یکی از هدفهای مقدس مبارزه ما است. رژیم فقیه با نابودی آزادی و استقرار استبداد می کوشد تا حتی سنگین خود را حفظ کند و ما باید با نبرد هر چه قطع تر علیه اختناق و استبداد ارتجاعی آزادی شیشه جان این اهریمن را بر سنگ بگوییم. امروز مقابل ما با پیگرد سرکوب سازمانی انقلابی و دفاع از زندانیان سیاسی سرطفا طی در نبرد علیه اختناق و استبداد است. سنت درخشان و شکوهمند مردم ما در دفاع از حقوق آزادی زندانیان سیاسی انقلابی و دفاع از زندانیان زمان می با پست انانیم بخش ما باشد. صدای اعتراض خود را علیه پیگرد سرکوب سازمانی انقلابی علیه شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی رسانند. فرزندان شریف و قهرمانی خلق مبارزات خود را با همه توان افزایش دهیم.

هموطنان!
در هر کجا که هستی و با هر وسیله ای که می توانی علیه جنگ و قتل رژیم استبدادی و خونخوار و "ولایت فقیه" مبارزه کن. در خانه و در خیابان، در کارخانه و در اداره، در مدرسه و دانشگاه و روستا، در مسجد، در جبهه و در هر جای دیگر شجاعانه رژیم فقیه را افشاکن. دیگران را به تشکیلاتی رژیم آگاه کن. همگان را به افزایش مبارزه علیه جنگ و رژیم دعوت کن، ما اعتقاد داریم که رژیم فقیه در پرتو اختناق و سرکوب، پیروزی از آن نخواهد بود.

پیروزی ما دمبارزه خلقی در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۵ مهر ۱۳۶۶

بیش از بیست سال جراحی آزادی ما را از دست برداریم که اتحاد شوروی طی این ۷ سال از قطع فوری جنگ و حل کلیه اختلافات میان دو رژیم از طریق مذاکره بیگانه و مسترد دفاع کرده است، اتحاد شوروی در حال حاضر خواستار خروج فوری همه نیروهای نظامی خارجی از منطقه خلیج فارس است. اگر آمریکا قصدش فزایی نمی داشت می توانست به یمن پیشقدمی بسیار داشته دهد.

امپریالیسم آمریکا بیشتر با اتحاد شوروی برای قرار گرفتن نیروهای نظامی مستقر در خلیج فارس زیر نظر سازمان ملل را نیز رد کرده است، آمریکایی خواهد با سازمان ملل متحد برای تامین امنیت کشتیرانی اقدام کند.

پوشیده نیست که ادا به جنگ تمام و کمال در خدمت ترغیب امپریالیستها به شدیدترین ما جراحی خوبی ما علیه منطقه و در راهی آن علیه کشور ما است. جنگ افروزرترین محافل امپریالیستی، تولیدکنندگان و فروشندگان جنگ افزار و کارگران آنها در کشورهای امپریالیستی از وخیم تر شدن هر چه بیشتر اوضاع سودی برند.

رژیم خمینی که مسئول اصلی ویرانی کشور ما و وخت ما سرحد افشاجا اوضاع منطقه است، همچنان ما جراحیها و جنگ را ادامه می دهد. اکنون مدتی است که دیگر رژیم خمینی فهمیده است که از زوهای ابلهانهاش برای "مدور انقلاب" و مستقر کردن رژیم تبهکار رومضک "ولایت فقیه" در سایر کشورهای اسلامی برداشته است.

شکست نقشه های جنگ افروزان و تجاوزکارانه رژیم خمینی، و رشکستگی اقتصاد دکتور و برادر فتن ذکا برودت ادهای ارزی، تشدید روز افزون نفرت مردم از جنگ و مخالفت آنها با رژیم و افزون بر این تشدید فکانش برای قطع جنگ، رژیم خمینی را به عقب نشینی های فاحشی ناچار ساخته است. رژیم خمینی که سال گذشته برای ادا به جنگ به یاری های "شیطان بزرگ" دلخوش کرده و پنهانی به زدوبند با دولت ریگان پرداخته بود، اکنون مدیونانه در پی دستاویزی است تا خود را از زمین پستی که در آن قرار گرفته رها سازد. این دستاویز امروز در پاشاری رژیم برای تعیین منافع و از آزادی سازمان ملل متحد و وعده بریدن غرامت شلخته شده است. تلاش برخی سازمان ملل این است که آتش بس فوری برقرار شود و مسائل فیما بین دو رژیم ارتجاعی از طریق مذاکره و بر اساس موازین بین المللی حل و فصل گردند. اما رژیم خمینی همچنان می کوشد که بدیش را این پیشنهاد را درگرو صدور حکمی در باره مقصود یافتن وعده های مبنی بر پرداخت غرامت قرار دهد تا به خیال خود وسیله ای برای توجیه ۷ سال ادامه جنگ که به قیمت بیش از یک میلیون کشته از مردم دکتور تمام شده است دست و پا کند. مردم به سران جنایتکار رژیم شوروی اسلامی می گویند: شما بخاطر وعده غرامت جنگ را ادامه می دهید و چون آنها را هزار هزار باره کشتن می خواهید و شوروی را می کنید، شما جنایتکاران تاکمی می خواهید این خونخوار را بخاک می بیند ما را بریزید! غرامت خون دهها و صدها هزار فرزندان ما را چه کسی می دهد؟ آیا نه این است که ما مردم ایران با بدقبل از همه از شما غرامت بگیریم؟ هر روز ادا به جنگ غرامت شما را که تنها با نابودی رژیم تان پرداخت می شود، سنگین تری کند!

هموطن! تنور آدم سوز جنگ از نفس افتاده است. رژیم خمینی درین بست جنگ گرفتار شده، نقشه های درهم شکسته است و اکنون نومید و چون زده این خونریزی را ادامه می دهد. رژیم می دانند که این جنگ ناچار قطع خواهد شد، از اینرو سرا سیمه درسی گرفتن دستاویزهای برای توجیه ۷ سال جنایت خویش نداشت.

هموطنان!
خیمینی و ریگان هر یک به شیوه خود مشغول توطئه علیه منافع مردم و مصالح ملی ما هستند. پس از هفت سال خونریزی و تشکیلاتی خمینی و ریگان هر یک می خواهند که مردم ایران منطقه را موش کنند آتش بسیار را طی این خونریزی خیمیت - انیسا می خواهند که ری کنند که اگر جنگ به نیروی مقاومت ما اعتراض شما و در ارفشار نیروهای خلق دوست جهان قطع شد، نتوانید رژیم خمینی استقام نزدیک به یک میلیون کشته و چندین میلیون زخمی و معلول و آوار خود را بگریبید. آنها می خواهند که ری کنند که ما با قطع جنگ ارتجاع فقهی و حکومت بلیدشان را ریشه کن سازد.

هموطنان! باید فاشا خود را برای قطع فوری

هم میهنان گرامی!
مردم رزمنده و انقلابی ایران!
اجلاس کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در جریان ماه سال، در شرایط تداوم خونخوار جنگ و بدو اوج رسیدن و خامت اوضاع در منطقه خلیج فارس برگزار شد. اجلاس کمیته مرکزی سازمان با توجه به اوضاع و حاسیت اوضاع، شما مردم رزمنده کشور ما را به گسترش نبرد علیه جنگ و رژیم فقیه می خواند.

جنگ جنایتکارانه که در هفت سال گذشته بیش از نیم میلیون نفر از هم میهنان ما را کشته و بخش عظیمی از کشور ما را بکلی ویران کرده است، اکنون ایما در منطقه ای با فته و از آن بدتر موجب لشکرکشی بی سابقه امپریالیسم آمریکا و همدستان "نا تو" ای آن به خلیج فارس شده است. رژیم خمینی با ادامه جنگ و با گسترش آن به سرا خلیج فارس و با تشدید جنگ کشورهای عربی ساحل خلیج و حمله موشکی به کویت وضع را به سرحد خامت رسانیده و مصالح ملی کشور ما و دیگر کشورهای منطقه را آماج شدیدترین مخطرات قرار داده است. اینک کشورهای عربی منطقه به شکل مختلف با پشان به جنگ کشیده شده است. برخی از این کشورها نظیر کویت از ترس حمله رژیم خمینی و انتقام محووی رژیم صدام به حمایت عملی از رژیم صدام در جنگ و به پنهان بردن زیر چتر حمایتی نظامی آمریکا کشیده شدند.

گسترش جنگ به خلیج فارس توسط دو رژیم امپریالیسم ارتجاعی ایران و عراق و مورد تشدید فاشا درگرفتن برخی دیگر از کشورهای منطقه برای آمریکا و همدستان نا تویی آن شرایط مساعدی فراهم آورد تا این بار رژیم امپریالیسم دفاع از امنیت کشتیرانی و "دفاع از خلیج" بی سابقه ترین لشکرکشی نظامی به منطقه استوارک بسیند. نیروهای نظامی امپریالیسم آمریکا، و در پی آن نیروهای نظامی انگلیس، فرانسه، ایتالیا و برخی دیگر از اعضای پیمان "نا تو" همچون راز هزان دریایی سده های گذشته خلیج فارس را راقب کرده و در کمین ما چرا های تازه نستند. اینک بیش از ۸۰ کشتی جنگی در خلیج فارس گردآمده است و هواپیما ها و هلیکوپترهای جنگی آمریکا سرا خلیج را زیر پای خود گرفته اند. این نیروها وضع برترش و سایر روخامت را می در منطقه بدیدند آورده اند. اوضاع خلیج آسیبی فاجعه های غیرقابل پیش بینی است.

هموطنان!
امپریالیسم آمریکا که بجز بردار اصلی جنگ بوده و تا کنون با همه توان کوشیده است تا این جنگ ویرانگر ادا به ما بد، اینک سود خود را از آن می بیند که رژیم امپریالیسم دفاع از امنیت کشتیرانی و "دفاع از خلیج" دفاع از امنیت جنگ" برای گسترش سطره خود بر منطقه تلاش کند. طی هفت سال جنگ ایران و عراق این عظیم نقشه آمریکا عملی شده است. مطابق این نقشه در هر دو کشور موضع ارتجاع تقویت شده و هر دو رژیم سیش از پیش به غرب وابسته شدند. کشور ما پس از انقلابی به آن عظمت با ریدیکر به ما زار و سرحل ترین گالاهای غرب و به مصرف کننده تسلیحات غربی تبدیل شده است. نیروهای انقلابی و ترقیخواه آماج شدیدترین تهاجمات قرار گرفتند مبارزه شده های مردم و انقلاب مردم همه و همه با خشونت سرکوب شد. در طول ۷ سال جنگ، آمریکا توانست رژیم های ارتجاعی منطقه را زیر چتر نظامی خود قرار دهد. جبهه جنگ علیه صهیونیسم را متروک سازد. نیروهای نظامی ویا بگا هیای خود را در منطقه آسیا نوسیند! دریای عمان و خلیج فارس افزایش دهند و سرانجام به لشکرکشی آشکار دست بزنند و خلیج فارس را در چنگال نظامی خود در هم بشارند. میلیاردها دلار سود ادا ورده از فروش تسلیحات و عملی شدن دهها نقشه جنینی دیگر نیز از برکت جنگ برای آمریکا بود. عملی شدن این نقشه های آمریکایی از یک سو و آسوی دیگر افشا شدن ما جراحی ایران کیت، تشدید تها ده های اخلای هیات حاکمه آمریکا و بی اعتماد شدن بسیاری از متحدین و منجمله برخی از رژیمهای عرب به دولت آمریکا موجب آن شده دولت ریگان دیگر نتواند حداقل با زمانه نقشه خود را به همان شیوه سابق دنبال کند. واقعیت این است که لشکرکشی امپریالیسم آمریکا به خلیج فارس در بین حال ما نور و باروشتر تشدید می علیه همسایه شمالی کشور ما اتحاد شوروی است. این جنبه نقشه آمریکا

گرامی باد هفتادمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر

هفتاد سال پیش از این انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به پیروزی رسید، توده‌های ده‌ها میلیون رنج‌دیده از استبداد و استثمار قرون و فرسوده در جنگ‌های خونبار، با کوهی نفرت از زبیره‌گشا و زورگویان و با توده‌ای غنی از شجاعت و خویشتن دروا توفیق با هم میدان نبرد قطعی گذارند. پرولتاریای متشکل تحت رهبری حزب بلشویک که توده زحمت را زیردوش سرخ خود آورد، ه بود با سلاح قیام، دشمن را درهم شکست و قدرت سیاسی را به کف گرفت. پیروزی انقلاب اکتبر ما عقده‌ای بریکبرفروت استبداد و استثمار روبرو رانی شفا بخش برد. آغ و درد گذشته ده‌ها میلیون زحمتکش بود. با رانی با عطر زندگی، آن روزها همه این پیروزی در سراسر گیتی درگوش است و بر کلاله اشتیاق خلقها برای صلح و پیروزی گدازین می‌فشانند.

انقلاب اکتبر رویدادی اتفاقی نبود، الزامات رشد و تکامل تاریخی جامعه بشری چنین تحولی را ضروری ساخته بود. طبقه کارگر روس به یاری نیکو فیهرو و موزگا انقلابی‌اش لنین، این ضرورت را با زشتا خسته و رسالتی را که در این میان به لحاظ ملی و بین المللی بردوش قرار گرفته بود، دریافت. طبقه کارگر زیر رهبری حزب بلشویک، مبارزه خود برای سوسیالیسم را با مبارزه دهقانان برای زمین، با مبارزه رها بی‌مشی خلق‌های تحت ستون رژیم و با جنبش عموم خلقی علیه مپریالیستی درآمیخت. پیروزی اکتبر، پیروزی انقلابی و پیشرو ستانه مارکس، انگلس و لنین بود.

انقلاب اکتبر نظام سرمایه‌داری را در روسیه درهم شکست و برای نخستین بار پایه‌های نظام نوین سوسیالیسم را در آنجا بنیان گذاشت. بیسه دست پرولتاریای انقلابی روس برای اولین بار انسان مولد به حاکمیت رسید. قدرت نوین، قدرت کارگران و دهقانان به مدهم دستگی انترناسیونالیستی طبقه کارگر جهانی سر برافراشت و سلطه پلانتازع امپریالیسم برچین نظام درهم شکست. با انقلاب اکتبر دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم و کمونیسم، و مسابقه تاریخی میان دو نظام اجتماعی - سیاسی آغاز شد. امروز از روزهای که "دنیا را تکان داد" هفتاد سال می‌گذرد. جامعه بشری در این دوره تاریخی افت و خیزها و فرازونشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است. زندگی مستمرا جلوه‌هایی جدید و جدیدتر یافته و از تنوع بیشتری برخوردار گشته است. رونق پیدا کرده است. راه‌های تازه‌ای که زندگی در برابر او قرار می‌داد، خود را تحکیم کرد، راه‌ها پیموده را پیچیده‌تر و گام‌ها سنگین‌تر کرد. برای تعالی خود آفرید، موانع خرد و کلانی که امپریالیسم بر سر راه سوسیالیسم می‌نهاد در نهایت خیرتر از آن بوده که ما رش ظفر مندانشا نهیست. جامعه نوین را متوقف کند. سوسیالیسم در پی رها نیدن بشریت از چنگال اختاپوس فاشیسم هیتلری و میلیتاریسم ژاپن به نظامی جهانی قرار روید. دستیابی به شادمانی با امپریالیسم و حفظ آن، سوسیالیسم را در ز تخیراتی پذیرد صلح و امنیت بین المللی تبدیل کرد. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برتری انکارناپذیر جامعه نوین را اثبات کرده‌اند.

برقراری شیوه زندگی سوسیالیستی مبتنی بر عدالت اجتماعی، کلکتیویسم و دوستی خلقها در دوران این کشورها، مناسبات برادرانه انترناسیونالیستی و همبازی اقتصادی میان آنها، کمک‌های مادی و معنویشان به خلقهای تحت ستم و ازبندارسته و بالاخره دفاع بیگریشان از همزیستی سانسلت آمیز، از مناسبات عادلانه و دموکراتیک بین المللی و مهمترین مزه ملی و امنیت عمومی، سرشت بشردوستانه سوسیالیسم را در برابر پرچمان مسلط ردها نفوس سواره مابله نایش گذاشت. بیپوده نیست که آرمان‌های سوسیالیسم پیوسته مغز و قلب شما ربیند. آزما ننی را که از استعمار و ستم سرمایه‌داری رنج می‌برند، تسخیری کند.

حیات سرمایه‌داری در هفت دهه اخیر مملوا ز بحران‌های اقتصادی، تلاطمات اجتماعی - سیاسی و جنگهای توسعه طلبانه و منافتنا بی بوده است. که با رقابت فرسای مادی و معنوی آن را توده‌های زحمتکش تحمل کرده‌اند. سرمایه‌داری به دنبال ظهور و گسترش و تکامل نظام اجتماعی نوین بحران عمومی و روبرو شد. این بحران با شکل گیری سیستم جهانی سوسیالیسم و فروپاشی نظام استعمار و ایدئولوژی و بنا زرتی پیدا کرد به موازات استحکام و اقتدار سوسیالیسم، تعمیق و تشدید شد. خلقهای بسیاری از کشورهای ازبندارسته از سرمایه‌داری گسستند. با شکل گیری سیستم نواستعمار کلاف جدید و بیغرضی از تبادلهای میان امپریالیسم و خلقهای کشورهای روبه رشد شکل گرفت. مبارزه آنها را در اشکالی گوناگون و در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی علیه وابستگی امپریالیستی برانگیخت. رده‌های اخیر تعداد دیگری از ایسین کشورها زنجیر سارت نوا ستعمرای را گسیختند.

دستا وردهای انقلاب علمی - فنی ظرفیت‌های ما نورا اجتماع سرمایه‌داری را افزایش داده، ذخایر جدیدی را اختیار آن گذاشت. سرمایه‌داری با تنوع و تنوعی از این امکانات به پیش رفت و تحولات جدیدی در تولید ایجاد کرد. مولده فراهم می‌آید و عدم توانایی تحقق این امکانات به سود جامعه، تشدید کردید. بیگاری وسیع که از جمله تبعات تحول اخیر است در رشداتی خود مشکلات جدی برای سرمایه‌داری فراهم می‌آورد.

پی آمد کاربرد تکنولوژی پیشرفته در صنایع نظامی امپریالیستی فاجعه بار بود. تلاش امپریالیسم برای اعاده سیادت از دست رفته، میلیونها انسان را خاکستر کرده است. کاربرد سلاح هسته‌ای در هیروشیما و ناگانا زاکبی لکه شنی نازدودی بردمان امپریالیسم نشان داده است. امروز تلاش گستاخانه برای نظامی کردن فضای کیهانی و تدارک "جنگ ستارگان" که برزمینسه کار برد آخرین دستاوردهای علمی - فنی در عرصه تسلیحات امکان پذیر گشته است، بشریت را به نابودی تهدید می‌کند. امپریالیسم بطور جنون آمیزی به مسابقه تسلیحاتی دست می‌زند. انباشت تسلیحات تا حدی رسیده است که تنها با یک حادثه کوچک، یک اشتباه محاسبه جزیی و یا شاید یک جنون لحظه‌ای، جهان و هرچه در او هست در معرض خطر نابودی قرار خواهد گرفت. نظام سرمایه‌داری

برای حفظ خود بشیریت را هدف قرار داده است. این گویا ترین و بارزترین نمودار نظام سیاسی و اجتماعی - اخلاقی این نظام در زمان ماست. سرمایه داری معاصر در کلاف بیغرض تضادها قرار دارد. اما هنوز در حال پیشروی است. بلحاظ تاریخی محکوم، اما نیرو مند است. نظامی سرمنده است که بشریت را به مرگ تهدید می‌کند.

تاریخ، سوسیالیسم را در بلندای هفتاد سال تکامل به صابقه‌ای در عالی ترین سطوح با نظام سرمایه‌داری فرا خوانده است. اقتصاد سوسیالیستی را نسبت به توانایی اش در جذب پیشرفته ترین تکنولوژی، در تولید محصولات درجه یک و رقابت با رقبا در با زرجانی، شیوه زندگی و اخلاقیات توسیلایستی را نسبت به قابلیت گسترش و تکامل دموکراسی، عدالت اجتماعی و پیشروستی سوسیالیستی، سیاست خارجی سوسیالیسم را نسبت به استعداد آن در دفاع قاطع و بیپیکیر از صلح و نسبت به انعطاف و شکیبایی اش در قبال تحریکات امپریالیسم در شرایط حدت صابقه تسلیحاتی، سوسیالیسم را با یاد از این آزمون بر بلندای بیرون آید. سوسیالیسم با پدید آشتاب زمان حرکت کند. "تنها کسی به پای زمان می‌رسد که خود، آن را تسریع کند".

مهدها گسترده جنب و جوش است. با ردیگر، در خلقهای بالاتر از ما رپیچ تکامل، زحمتکشان شوروی اقدامی بزرگ را با پیاخته‌اند. خرد خدب راهماست. پیشرفت همه جا نیه جامعه شوروی و حرکت معودنی ش بیسه سوی کمونیسم می‌تواند با یاد از راه تسریع رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی کشورهای مین شود. هدف این مین، نوسازی انقلابی همه شتون زندگی جامعه شوروی است. انجام موفقیت آمیز این وظایف با اعتلای نقش عامل انسانی پیوند دارد.

حزب لنین با جمع بندی آزمون‌های تلخ و شیرین ۷۰ سال سازندگی سوسیالیستی و با بهره گیری از تجارب ساختن سوسیالیسم در کشورهای برادر احکام کلایک مارکسیسم - لنینیسم را خلافا نه با سطح رشد و تکامل کنونی سوسیالیسم و جهان معاصر انطباق داده و افاق بسط و تکامل این احکام را واقعیت‌های مرحله کنونی رشد شوروی سوسیالیستی است.

حزب کلدیس تسریع را استفاده هر چه کامل ترا از امکانات و ظرفیت‌های نیفته در سوسیالیسم و شناخت و یکا رگیری تمامی برتری‌های این نظام در روند رشد و تکامل خود می‌دانند. بر آن است که انسان شوروی در این رهگذریا باید هر چه پیشتر، خود را صاحب کشور احساس کند و پیش از پیش در اداره امور آن مشارکت نماید. همانگونه که سوسیالیسم بدون دموکراسی امکان پذیر نیست.

رشد و تکامل سوسیالیسم نیز بدون رشد و تکامل دموکراسی سوسیالیست ناممکن است. بر این پایه حزب دموکراتیک سوسیالیست، سوسیالیست، ناممکن جامعه را در سر لوجه کار خود قرار داده و گوشه‌های موی گوشه‌ها بر پیا به سطح کنونی رشد و تکامل سوسیالیسم بنا شده در اتحاد شوروی برای امکانات مشارکت برمد در امور بیفرازان را به استفاده فعال و خلاق از این امکانات قرار خوانده و تسریع نماید. زحمتکشان شوروی با پیدر همه چیز اشراف داشته باشند. باید به هر گوشه تاریک که خود را پنده گزی ها و کاستی‌هاست نوسور انداخت و بر هر فضای مسدود خفه در هر جگه که با شدروزن گوشه‌ها همه چیز و همه جا با پیا رکت فعال و بلاواسطه زحمتکشان از ظرا و زندگی سرشار شود و هر روند و فرا گردی همصواب زندگی شتاب بگیرد. اینچمه مضمون مبارزه حزب در راه عظمت پیشتر را تشکیل می‌دهد.

حزب مردم راه بیگاری علیه تمامی پدیده‌های منفی دعوت کرده است. باید با لختی، رگودویی و تفاوتی بطوری امان مبارزه نمود و زمینه‌های پیدایش این پدیده‌ها را از میان برداشت. الگوهای منسوخ و شماهای بیجان با بسد درهم شکسته شوند و همه چیز در انطباق با مختصات امروزین زمان متحول شود. حزب بر آن است که نوسازی انقلابی با پدیده عرصه‌های زندگی جامعه را فرا گیرد. از اقتصاد دگرگشته تا سیاست و از علوم اجتماعی تا فرهنگ و هنر، همه و همه باید نوسازی شوند.

۷ دهه پس از اکتبر کبیر با ردیگر ضرورت‌های رشد و تکامل اجتماعی در کشور شوراها با الزامات تکامل تاریخی جهان همراه شده و رسالتی تاریخی بر سر دوش زحمتکشان شوروی قرار داده است. روح و سنت‌های انقلابی اکتبر که رونده هفتاد سال تکامل پویای سوسیالیسم را خیرا می‌کرده‌اند، جان تازه می‌گیرند. با ردیگر صحبت از نوسازی انقلابی در تمام شتون زندگی با اهداف والا و بشر دوستانه صلح، پیشرفت و پیروزی است. با ردیگر به کار سخت و فداکارانه وسیع ترین توده‌ها نیا زهست... و این بار، این انسانهای شوروی هستند که به میدان می‌آیند. آنچه کهنه، فرسوده و زنگار گرفته است را می‌روینسد و خانه خود ساخته را نوسازی می‌کنند. خود را نوسازی می‌کنند و در فتنش سوسیالیسم را در طرازی بالاتر، پیا هتزاز زدرمی آورند.

ا. روزهمه جهان به کشورهای سوسیالیستی می‌نگرد، آخروسوسیالیسم سنگر اصلی دفاع از صلح و جلوگیری از فاجعه هسته‌ای است. آختر خرتی زمان ما به

درستی با سوسیالیسم مشخص می‌شود. آختر اجهای پیشرفت اجتماعی در سراسر جهان و مقدرات جنبش رها شیش بست به آن است که سوسیالیسم نیا ز زمان را چگونه با سخ گوید. مقدرات بشریت با مقدرات سوسیالیسم پیش از پیش گره خورده است.

سوسیالیسم رسالت تاریخی خود را با شایستگی به انجام خواهد رساند، چرا که در سرشت خود انقلابی، رندیا پنده و روبه آینده است، چرا که قادر است با آهنگ تاریخ خود را نوسازی کند.

با جمع آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

زنده باد صلح، زنده باد سوسیالیسم

دولت فرهنگ ستیز

"آن کس که اسب داشت غبارش فرونشست
گردسم خسران شما نیز یک گذرد"
(سید فرغانی)

در هفته دولت با وجود اشتغال همیشگی دولت به مسئله اصلی این یعنی جنگ و عدم همکاری انبوه فرهنگ دوستان و هنرمندان غیر "خدمتگزاران" و فعالیت‌ها در این زمینه، روزنامه اطلاعات ۷ شهریورماه ۱۳۶۶ یک سیه‌هده عرض و طویل به نام "کارنامه درخشان دولت در فعالیت‌های فرهنگی" ارائه کرد.

آنچه در "کارنامه درخشان" ارائه شده است، آمار و ارقامی است در مورد فعالیت دولت در زمینه سینما، تئاتر، هنرهای تجسمی، آموزش و پرورش و ادبی و تلوویزیون جمهوری اسلامی. دولت میرحسین موسوی مانند تمام دولت‌های خد مدعی، این کارها را برای پوتاندن حجاب به خدمت گرفته است. کارنامه‌ها و مکان‌ها تا شاع فرهنگ و هنر در جا مع ما اکنون در خدمت رواج ابتذال و معمول داشتن پدیده‌های ضد فرهنگی و وابستگی به تسودرجهت دشمنی با منافع مردم و توجیه و رونق سیاسی پلید مردم در آمده است. از مطبوعات رسمی، نمایشگاه‌ها و تئاتر سینما گرفته تا محیط مدرسه، کارگران حکومت بطور قدری ناپذیری در واقع این اصطلاح "خدمات فرهنگی" را به پیش می‌برند.

مطبوعات علمی که تقریباً همگی مستقیماً و بعضاً غیر مستقیم وابسته به رژیم اند امروزه نوع عجیبی ادبیات را معمولی دارند که هم از نظر شکل و هم از لحاظ محتوا قابل بررسی و مطالعه است، البته نه از زاویه نقد ادبی، بلکه بیشتر از نقطه نظر علم مردم شناسی!

شرفا رسمی مورد حمایت و افتخار دولت، مخلوقی جز از ماده مخلوک و علی بن ابی است و نوجوان عرب رفته ادبیات فارسی شایسته دارد، تا به نثرینسجسم و زیبای فارسی. قالب‌های مصنوعی و مکرر قصه‌ها و داستان‌های "اسلامی" تاب حرکت را از آن گرفته است. کتاب‌های چاپ و صحافی خوب با اصطلاح "حوزه هنر و اندیشه اسلامی" و انتشاراتی‌های مشابه تاکنون کمترین خواننده را به خود جلب کرده است. مردم دنبال کتاب نویسندگان خوب می‌گردند، اگر چه به جابجای صحافی شده باشد - چرا که اینگونه آثار بی‌ویژه از سال ۶۱ به بعد بسط و توسعه یافته می‌یابند.

افاضات شعری آقا جان در حرف بیشتر دارد. تصاویر و مفا هم هیستریک کهنه، ناما نوسر و آخوندی، چه در قالب نظم و چه غیر نظم با مضمون ارتجاعی بکجا جمع شده اند. حاصل جمع فعالیت مغریمویوب یک طایفه ارتجاعی سردبیر حزب الهی، جابجا با طبل نامربوط زیر ره عزت‌ان شریف بوده است.

نویافته‌های این عصر، خودتانی که حق با امام است
لجوج خدا در زبان، قلبت خدایش تاریک است
جه بینی کارهای خارق العاده از آدمی درم؟
که سید موسی سجان همه زلالتی بیند
(مجله عروه الوشقی، ۲۵ خرداد ۱۳۶۰)

"طایفه شاعر" دیگری که طلبه قم بوده و به گفته خودش قریحه شاعر عربی بیشتر بهمناسبت وفات آیت الله هابیه غلیان می‌آید، ضایعه فکری خودش را در قافیه‌های زیر به خواننده تحمیل می‌کند:

بشکر زاتم هیچ جز آزار نیاید
جز کشتن زاین آلت خونبار نیاید
آی جا هل بی عقل ترا عار نیاید
کز آلت قتاله کنی فرجه بسیار
(صحنه ۲۹ - ضمیمه جمهوری اسلامی)

سأش کتار و خونریزی و شیادت و معلول شدن درجه‌های مرگ، بحقیق زنده‌گی و تبلیغ آخرت و تفریب‌گشتی و جورالعبین چندان در "اشعار اسلامی" تکرار شده که خوانندگان را به ستوه آورده است. نضاله مرادنی شاعر جابزه تکرار حزب الهی که از اشتقاق خوانندگان تراشفته است، به خیرنگار و کیهان پر خاش می‌کنند که "اغلب شعری بزرگ در شعرهایشان تکرار لغات و تصاویر پیدا شده اند... ما هم اگر یک ردیف چون "به کار می‌بریم، تکرار مستحسن است نه مضموم".

حکام جمهوری اسلامی از سوی دیگر هنرمندان آزاد بخواه و مردمان را به انجا گوناگون در مضیقه می‌گذارند، بازداشت می‌کنند، شکنجه می‌دهند و سیه‌هده اعدام می‌سازند. رفیق سعیدسلطانپور شاعر و کارگردان انقلابی که آثارش شکنجه زندان‌های رژیم است، به رابرتسن دانشمند به دست این جانور مستحان به شهادت رسید. این نظام حتی پیش از تسلط جمهوری اسلامی در کشتار و محرومیت اجتماع می‌شد، نام آرزوهای باطنی می‌چنگیدند، کینه می‌ورزید. پاره کردن تکا و پیروکتای نویسنده انقلابی و مردمی مدیبرنگی در ماه‌های پیش از انقلاب بیمن شاهدین مدعاست.

تخصیفات قرون وسطایی رژیم تنها شامل حال معاصرین نمی‌شود، ایسن قانن عطف به ما سقیم می‌گردد، از جمله حافظ شیرازی به جرم نبودن در خط جمهوری اسلامی گرفتار مجازات و محرومیت اجتماع می‌شد. نام آرزوهای باطنی می‌چنگیدند و دیوانش بواسطه مصانعت‌های رسمی برای تجدید جاب به ساز و سیه کشیده شد. آخر حافظ در دریدن برده‌س لوس و ربای شیخ وزاهد و اعظ فقیه تریبند روانی داشت و ما شارات و کتایب‌های رندانه، انگل صفی آنان را بر ملا کس کرده و مشروعیت منبع ارتزاقان را بدین گونه زیر سؤال می‌برد:

بیا که خرقة من گرچه رهن میکده‌هاست
ز مال وقت نیندیدی به نام من درمسی
و یا:
فقیه دهره دی مست بود فتواداد
که می خرام ولی به زمال اوقاف است
(ظاهرا تیرگی روابط ریشه‌زیربنایی دارد!)

رودکی فردوسی و خیام و عبیدزاکا و ایرج میرزا و بسیاری دیگر هم سرنویست مشابهی یافته اند. رشته‌های دیگر فرهنگ و هنر هم در پرتو توجهات فقیها و دولتمندان خدمتگزاران در قالب مشابهی (که به قبرمانده است) ریخته شده اند. تأثیر پس از آغاز آواز گهری جنبش توده‌ای (سال ۱۳۵۶) جان تازه‌ای

گرفته بود، و بی‌ویژه بعد از انقلاب، علیرغم تضییقات روزافزون رژیم - آخوندها، تقریباً تا سال ۶۲ به همت هنرمندان مترقی، درس‌ها و خیابان، موفقاته مردم را با این هنر بی‌خصوصی با مفهوم تا تریبشور مردمی آشنا می‌کرد. اما آنچه اکنون رژیم ازنا تریا قی گذاشته است، سالن‌های خلوت و تقلید-های تخریب‌مانند و تبلیغات نامایش‌گونه‌ای ارزش می‌باشد که جز تبلیغ جنگ و مرگ و تسلیم و رضا و وظیفه‌ای برای خود قایل نیست. سینما نیز به سرنویستی مشابه دچار شده است. معروف‌ترین سناریونیوس و کارچرخان فیلم‌های غیر مستند رژیم یعنی محسن مخملباف بنا به گفته خودش، پیش از آغاز فیلم‌سازی نه تنها سروکاری با این حرفه نداشته، بلکه اساساً از سینما متنفر بوده است. (همه چیز در جمهوری اسلامی رابطه منطقی خودش را دارد.)

کارنامه دولت در رشته نقاشی هم سیاه است. رژیم برای اسلامی کردن نقاشی تاکنون موفق شده است نه تنها محتوا، بلکه فرم را هم از تابلوهای "نقاشی"‌های وابسته بخود از جمله نقاشان دکان "حوزه هنر" و اندیشه اسلامی بزاید. با وجود این، همه امکانات از وسایل کار و کارگاه گرفته تا پول به آسانی در اختیار این خدمتگزاران رژیم قرار می‌گیرد. نقاشانی که هنر خود را به دیوژگی خلیفه‌چهاران و اعوانش نمی‌برند - مجبورند وسایل کارشان را به سختی و با قیمت‌گران تهیه کنند. کارگاه و نمایشگاه این نقاشان هم معمولاً خانه خودش است.

مجسمه‌سازی در جمهوری اسلامی هم بکلی ممنوع است. عاقبت موسیقی برای همه مردم آشکارتر از زبده هنر است، حذر عی برای این هنر ۵ ماه بعد از انقلاب توسط کمیتهی دردمجن‌شد "فوقیستی خیانت‌گرا" است به مملکت اسلامی. اگر بخواهید کمی اسلامی مستقل باشد، از این به بعد موسیقی را از رادیو و تلوویزیون بکلی حذف کنید. "لکن بعد از رژیم صلاح

یادیکه اندازه‌های بی مملکت اسلامی خیانت‌گرا، اما دیگرگانون‌های "خیانت" به مملکت اسلامی، از جمله "مرکز حفظ و اشاعه موسیقی" را به تعطیل واداشت. امروزه آهنگ توحه و تعزیه‌ریتیم معمول موسیقی رسمی شده است. حذف صدای زن از این عرصه ویژگی دیگر موسیقی فعلا مجازات است. اما مهمترین خصوصیت موسیقی رسمی و در واقع علت مجازماندن آن در حجم کنونی تبدیل آن به ابزاری در خدمت سیاست‌های عملی و کارگزاران شان در این امروز رژیم است. سرچشمه تناقضی تون و عملی قفا و کارگزاران شان در این زمینه نیز در همین ویژگی آخر است. در مورد موسیقی، مردم بیش از سایر رشته‌ها به هنر غیر رسمی علاقه نشان می‌دهند. و با شور و اشتیاق فراوانی به حفظ و حمایت آن می‌پردازند.

دولت صاحب "کارنامه درخشان". در مورد رفتارها تاریخ و فرهنگ ایران هم وضعی آشفته‌بار دارد. این دولت عقیده دارد که آنچه غیر اسلامی است، حتی اگر مربوط به قبل از اسلام باشد، جزو تاریخ ما نیست! مثلاً نخست وزیر در "آثار تخت جمشید" هیچ عنصر به درد بخور و قابل نگهداری نمی‌بیند، نه مرحله و شیوه معینی در تاریخ هنر معماری، نه انعکاسی از مناسبات اجتماعی - تاریخی و نه نشانه‌ای از روزگار و وقایع مشخص تاریخ باستان سرزمین ما - و نه حتی یادگاری از کار و روح برگدان و مردم تحت ستم سلاطین آن دوران. و آن حرف "خرابه‌ها" بی‌بی می‌داد که "چون" کارها بیگانه از اسلام "است

حفظ و نگهداری آن را بر زایدی بروش" فرهنگ اسلامی" می‌اشمارد. بنا به همین طرز تفکر است که دولت بی‌هیچگونه دغدغه خاطر با بلد و زره‌جان آثار باستانی می‌افتد، تا کنج پیدا کند برای خرچ جنگ و اعزام جوانان و نوجوانان به پیشرفت و پیشرفت زهره. این ویرانگری از آغاز جمهوری اسلامی ادامه داشته، مثلاً کتیبا ۱۸ مرداد ۵۹ خیردا که "تاکنون ۵۵ اثر تاریخی منهدم شده است".

اگر کسی بخواد با این پدیده‌ها روح خود را آزاد نهاده بی‌نار و به نرخ ۱۴۰۰ سال پیش و از دکان آیت‌الله محمدی گیلانی ابداع و نساوال نماید: "انقلاب یعنی برگشت، قرآن کریم هم انقلاب را به معنی بازگشت معنی می‌کند. انقلاب اسلامی یعنی بازگشت به حالات اولیه مسلمین، چه در مرتبه خوانی باشد، چه در کشورداری باشد، چه در قضا باشد" (آیت‌الله گیلانی - اطلاعات ۷ مهر ۶۱) بر راستی اگر کسی فکرش را بر این مبانی "انقلابی" قرار دهد، دیگر نه تنها علاقه نسبت به تمام دستاوردهای فرهنگی بعد از صدر اسلام از دست خواهد داد، بلکه خود بخواد زهره‌آثار تمدن پیش از آن و معاصربا آن، که شایسته‌ها ما مزاده و سقاخانه و قبرستان و تعزیه‌مشریه و لفظ عربی و امثال آن داشته باشد بشود خواهد آمد. هر همین اساس است که امروز برای این رژیم و دولت آن، رواج عزاداری، سینما و رادیو معاصری، گریه‌های دسته جمعی و غیره، یعنی رواج خرافات، تفریب‌گشتی فرهنگی به حساب می‌آید.

جمهوری اسلامی به گسترش این "فرهنگ" فخر می‌کند و تمام مراکز تربیتی بی‌ویژه مدارس ابتدایی و متوسطه را با این زهر سموم می‌نماید و بنا به اصل کدانی "تقدم تزکیه بر تعلیم" ضمن اخراج معلمین آگاه و آزاداندیش بدون توجه به توان علمی آنان، سبیل ما مورین "اشاعه خرافات را به نام معلم به مدارس گسیل کرده است. رواج فال بینی، جن‌گیری، اخبار ارواح و دهها شیوه تلخ فقر و نادانی در جامعه ما که نتیجه گسترش جنگ، افزایش بیکاری، گرانی، فقر روزافزون و بی‌اطمینانی به آینده است، از مشخصه‌های رژیم سرما به خرافات است.

ضدیت رژیم فقیها و دولت خدمتگزاران با فرهنگ و هنر بشری یک دشمنی ذاتی است. فاصله افکار و اندیشه آنان با بطور کلی با فرهنگ و هنر بی‌ویژه با تنوع متحول آن به اندازه فاصله خرافات با حقیقت است. این تضاد دشمنی، ریشه در ایدئولوژی این قوم دارد. ایدئولوژی ای که احکام شایسته خود را در محکومیت هرگونه فعالیت و خلاقیت هنری و فرهنگی از زیر پا زسار کرده است که برخی از آنها را برای نمونه ذکر می‌کنیم:

حکم محکومیت موسیقی به روایت حلیه‌المتقین چنین است: "غناء، نوحه، ابلیس است" و "هر مردی که در خانه‌اش تنبوت‌بوت زبده مرحق غنائی شیطانی به نام فنند بر او نشیند و حیا را از او بگیرد تا جایی که او... گردد" (باب‌خاتمه). در "مجمع‌المعارف و مخزن العوارض" نیز نقل شده که "هر که آواز بخواند، بیا بد در روز قیامت نوحه‌کنان مانندگ" (عین‌نهم، بنبردم). و با "فرموده هر که یک درهم به صاحب سوز و آلت غنا دهد نزد خدا شیدرت است مصعبت او از زنا با ما در خود ۷۰ بار" (همانجا)

قضاوت دربار نه‌نقاشی در حلیه‌المتقین هم‌هولناک است: "شیدالاعذابترین مردم در روز قیامت صورت‌نگارند" و به نقاشان اخطار می‌کند: "مطلقاً صورت نکشند حتی صورت درخت، چه بر سینه صورت ما بچ روی که سیه داشته باشد و اگر صورتی کشیده باشد بهتراست که اثرات قی کنند، ملاحظه کن اگر کور کنند و با عذوبی از آنرا محو کنند" (باب ۱۱، فصل ۳)، راستی اگر مصلحت حفظ ارکان اسلام در میان نبود و احکام اسلام اجرا می‌شد، فقیها و روحانیون مأمور از جمله ضمیمه، چه شباهت و قرابتی با "روشنان" و معلولین پیدا می‌کردند!

درباره تبلیغات (۳)

اهمیت تکرار و ضرورت پیگیری در امر تبلیغ

نخستین حلقه در امر تبلیغ و سازماندهی توده‌ها همانا مبارزه در راه معتقد ساختن آنان به حقایق است برآمده و اهداف ماست. لنین می‌گفت: "هر اندازه تحولی که ما خواستار انجام آنیم، عمیق‌تر است به همان اندازه نیز باید علاقه و توجه‌آگاهانه میلیونها و دهها میلیون توده‌های مردم نسبت به این تحول را برانگیخت" (لنین - م. ۲۰، ج. ۲، ص ۱۲۵) هر چند معتقد گردانیده شده‌ها به حقایق نیست بر آنها اهداف ما، امری است که بطور ارگانیک به مجموعه کردار انقلابی ما بستگی دارد، و صرف پیشبرد شیوه‌های تبلیغی درست قادر به تا مین آن نیست، ولی تبلیغات به‌مثابه یکی از اجزای اصلی فعالیت است پیش‌هنگ در تا مین این امر، وظایفی پرروش می‌کشد که عدم توجه به آنها - حتی در صورت صحت سایر اجزا نیز - به ناکامی منجر خواهد گشت.

باید در تمام عرصه‌ها از خرد تا کلان - اندیشه‌ها را که طی سالیان درازان توده‌ها به اعتقاد تبدیل گشته و مانع از عمل انقلابی آنهاست - زدود، باید به‌غیر از مسائل و عقایدات غیر انقلابی و مفاصله‌ها را به‌پیروز گشت. این امر هم در باره ضرورت معتقد گردانیدن هیستدان به سطلان جاودانگی نظام استعماری و لزوم جامعه فارغ از استعمار و هم در باره لزوم مبارزه در راه سرنگونی رژیم خونخوار حاکم و باین‌یا آن خواسته‌خرد معنادار دارد.

همچنانکه لنین می‌گفت: "معتقد ساختن توده‌های مردم وظیفه‌ای است که هرگز از زمین نخواهد رفت... این وظیفه همواره در میان وظایف مهم وجود خواهد داشت" (م. ۲۰، ج. ۳، ص ۱۲۷) تبلیغات به‌مثابه امری برای معتقد گردانیدن مردم، از این نقطه نظر مبارزه‌ای میان اعتقادات و اندیشه‌ها نیز هست و در شرایطی که تبلیغات دشمن با امکانات بسیار فراوان در مدد حفظ اعتقادات با زلد رنده در میان مردم و تحکیم آنهاست، برای مقابله با آن در باره مردم به مبارزه انقلابی توجه به‌درخی عوامل از جمله عامل تک - راپیگیری ضرورت می‌یابد.

در پیوسته معتقد ساختن یک فرد یا یک گروه و یا یک طبقه خلق تنها کافسی نیست که یک تیز، یک شعار... بیا ن شود و صحت آن یک بار اثبات گردد. بیا ن هدف و شعار و تاکتیک خود با لطف اداری تا تیر معینی است، ولی باید به این تا شیرا تحکیم بخشید. تکرار و در تبلیغ عامل مهمی در تثبیت این تا شیر است. راهی جز تکرار هزار باره اندیشه‌ها نیست. مبلغ بیا سازمانی که نتواند ایده‌های تبلیغی مورد نظر خود را اعلام و پیگیری در میان توده‌ها تبلیغ کند نه‌فادربه انجام وظیفه آگاهانه و اعتقاد دیرانگیزاننده خواهد گشت و نه خواهد توانست خویش را نتوان و رهبر و پیشوا تیز پیگیر آنان در اذهان جا بگیرد.

آن‌گاه که از تکرار سخن می‌گویم باید بر این نکته توجه دهیم که منظور از تکرار فقط تکرار عادی و مکانیکی ایده معینی نیست، تکرار عادی و یکنواخت یک ایده، نه تنها سر تا شیر نخواهد افزود، بلکه از قریب عسادی گشتن به ست شدن عکس العمل روانی خواهد نجا مید، هدف اقناع و جلب اعتقاد است و از این نظر بیا ایده مورد نظر را از زوایای گوناگون با اتکا به حقایق و مناسله مشخص‌تر نمودن در ذهن جای گیرد.

تبلیغات - تبلیغاتی که هدف آن سازمان‌نگری است - باید پیگیری و هدفمند باشد. مبلغی را در نظر آورید که کار او بیا م تا شام - در صفا از آن... در تاویس و تاکی - در اینجا و آنجا، از هر دری سخنی گفتن است. یک واحد حزبی را در نظر آورید که کار او پیش‌تر اکتفا به علامه‌های پراکنده و هزار گاه‌های است. هر چند عمل آن مبلغ و این واحد حزبی بخودی خود در اگاهان نیست مردم فاقد تا شیر نیست، ولی آنچه که منظور ما است تبلیغاتی است که قصد آن علاوه بر آگاهی عمومی سازماندهی نیز هست. از این نظر عمل مبلغی را که به‌جای پراکنده‌گویی و پراکنده‌گویی تبلیغات خود را بر روی گروه و یا حزبی افراد معینی متمرکز می‌یابد، و در یک پیرو - هر چند طولانی - آنان را به سوی مبارزه سازمان یافته‌ها بیت می‌کند، تبلیغی موفق می‌تواند نامید.

تبلیغات باید تعرضی و بی‌کار رجوبی باشد

زایه تبلیغ و لحن کلام به‌سهم خود در میزان تا شیر گذاری بر مردم را تا شیر جدی است. تبلیغات باید تعرضی و بی‌کار رجوبی باشد. هر چند تحقیقت خود رزمنده است ولی اگر بیا ن و منطقی شعری همراه نباشد، اگر در موضع دفاعی قرار گیرد، قادر به بر جای گذاشتن تا شیر مورد نظر نیست. تبلیغات کمونیستی با شکوه و گلاویه و تضرع و زاری و شمنایکانه است. چنین تبلیغاتی نه تنها قادر به برانگیختن و اعتلای روحیه توده‌ها نیست بلکه به قول "برشت" کسی که چنین صدایی را می‌شنود اگر در بدبختی باشد بیا زهم بدبخت‌تر خواهد شد. این زبان کسانی است که اگر هم دشمن نباشند ولی بی‌شک هم‌راهنمای مبارزه هم نیستند.

تبلیغات باید در روحیه نفرت به دشمن طبقاتی را در اذهان زنده و آتش مبارزه - جویی با آن‌ها در دل بیا فرزند. تبلیغات نباید به‌گذر در موضع دفاع و ضعف قرار گیرد و همواره باید دشمن را به سوی موضع دفاعی براند. یکی از مسایلی که در امر و نشانی اجتماعی است و تبلیغات باید بدان توجه شود این است که در تبلیغات باید بیشترین پیروزی از آن طرفی است که ابتکار عمل در دستان اوست و در صورت تعرض قرار دارد.

سرعت برخورد با مسائل

ما در بخش‌های قبلی یاد آور شدیم که توده‌ها را باید با اتکا به خود آنان آموزش داد و از هر دستم و جنایت و اجحاف و اعتراف دشمن برای روشن ساختن سیمای واقعی و ماهیت او بهره‌گرفت. بالطبع در این میان انگشت گذاشتن بر هر آنچه که در زمان حاضر در پیش چشم توده‌ها رخ می‌دهد دارای بیشترین تا شیر تبلیغی است و از این طریق بهترین توان در فضای ما هیت دشمن در بسیج مردم و در نشان دادن سیمای انقلابی حزب پیشرو عمل کرد. لنین بیا توجه به همین امر می‌توانست:

"در شرایط تبلیغی مساله بسیار مهمی را بیا بد در نظر داشت و آن سرعت دست نهادن بر مسائل و طرح آن است. بیا بد به صورت و به‌سر وسیله معجز مردم را در همان ساعت و در ملامت عام گرفت. بیا بد گرفتن معجز مردم در محل ارتکا بجرم و رسوا کردن وی در همان ساعت در ملامت عام، این بخودی خود اثر تا شیرا زهرگرونه دعوتی برای مبارزه بیشتر است" (چه بیا بد کرد)

بعنوان مثال هنگامی که رژیم، کارگران را گروه‌گروه از کارخانه‌ها می‌راند، آن هنگام که مزدوران رژیم سرپشته‌ها حاشیه نشینان را بیا بر سر سر ساکنان آن خرب می‌کند، آن زمان که کودکی در اثر نبودن آرد و در مسان درینجا مانع از درش جان می‌دهد، هنگامی که بمب‌محله‌ای در ادرهمی کوید و بیا مزدوران رژیم روستایی را بر آری دستگیری جانان مشمول محاصره می‌کنند و

دست به جنایت می‌زنند... بهترین موقعیت برای تبلیغ و افشاگری است. در چنین هنگامی که مردم به چشم خود بیا پوست و استخوان جنایات جنایت‌گران را لمس می‌کنند، بیشتر از هر زمان دیگری شوا بر آگاهی و نفرت آنان از فرود و راه درست مبارزه را نشان داد. سازمانی موفق است که در دست نهادن بر مسائل و در گرفتن معجز مردم سرعت عمل بیشتری از خود نشان دهد. و این تا شیر تبلیغی را در دست خود بگیرد. بیا بیا اجازه داد که جریانات وابسته به طبقات دیگر بیا تحریک بیشتر، بیا استفاده از اتفاقاتی که نظر مردم را به سوی خود جلب می‌نماید، در منحرف ساختن توده‌ها موفق شوند. افشای بیا بیا پیش‌نقشه‌های دشمن - چه در مسائل خورد و چه در مسائل کلان سیه سهم خود نقش برجسته‌ای در جلب اعتماد مردم بسوی سازمان انقلابی ایفا می‌کند.

جدا بیت تبلیغ

جلب توجه و دقت به سوی ایده مورد تبلیغ یکی از مهم‌ترین شروط موفقیت کار تبلیغی است. زیرا "دقت" به‌مثابه دری است که فاشته‌های انسان از طریق آن وارد شعور می‌گردد. بدون جدا بیت تبلیغات فاقد عادتانی تاوان توجیه منافع و بیا زهای طرف تبلیغ است زیرا موضوع مورد تبلیغ هر اندازه بیا منافع و اهداف مستمعین و خوانندگان... بیشتر مطابقت داشته باشد، به همان اندازه بردقت آنان خواهد افزود. بیا بیت تبلیغ برای هر گروه از خلق، بیا سایل و منافع آن گروه مطابقت داشته باشد، و این نکته - بویژه در آغاز کار تبلیغی - که در جلب دقت - اهمیت شایانی دارد، بیا بد مورد توجه قرار گیرد.

علاوه بر آن توجه به میزان معلومات، خصوصیات حرفه‌ای، خصوصیت محل سکونت، سن، جنس و... از شروط لازم در تبلیغ محسوب می‌شوند. آن زمان، آن متدوان ابزار تبلیغی که برای یک گروه از مردم را بیا جدا بیت است و پیرو به درک را تسهیل می‌کند، چه بیا برای گروه دیگری جدا بیتی نداشتن باشد. گفتار را بویستی طولانی و بیکسواخت، اعلامیه طولانی و ثقیل، سخنرانی‌خسته کننده، متون چاپ شده با حروف ریز و بیا کشیف و بیا بیا سبایی از این نوع نکه تنها قادر به جلب دقت نخواهد گشت، بلکه سبب آسیب دیدن اعتبار مبلغ - چه سازمان و چه فرد - خواهد گشت. توجه به روحیات و حالات، ظرفیت و کشتی طرف تبلیغ شرط کامیابی مبلغ است.

سخنی چند در باره برخی ویژگی‌های یک مبلغ

مواردی که در بخش‌های قبلی مقاله با ختمار به آنجا پرداخته شد، هر سر کدام ویژگی‌های معینی را از مبلغ می‌طلبند، (حزبیت، بی‌ویند بیا توده‌ها، درک نیازهای خلق، شناخت روحیه مردم، شناخت زبان و فرهنگ و آداب و سنن و خلق، پیگیری، هدفمندی، بی‌کار رجوبی، حساسیت نسبت به رخدادها و تحریک، توجه به ویژگی‌های طرف تبلیغ و...). اینک به ذکر فرسده برخی دیگر از این ویژگی‌ها می‌پردازیم:

اعتقاد عمیق نسبت به حقایق و صحت ایده مورد تبلیغ، مهم‌ترین ویژگی ضروری برای تبلیغ است. بدون اعتقاد عمیق به صحت اندیشه، شما روراه‌های کسی می‌رویم، نمی‌توانید در گران را به معتقد گشتن بیا ن فراخواند. مبلغ بیا بد تلاش مستعری برای افزایش دانش سیاسی و اجتماعی خود بیا بد. مبلغ در واقع مزی، آموزگار، رهبر و سازمان‌نگری است که بدون وجود دانشی و بدون تسلط بر رویدادها قادر به ایفای نقش آگاه‌گری و سازمان‌نگری خویش نیست.

شخصیت مبلغ از جمله مهم‌ترین عواملی است که در میزان کامیابی تبلیغ نقش برجسته ایفا می‌کند. تجربه نشان داده است که توده‌ها کمونیسم را در سیمای کمونیستی‌ها می‌شناسند. مردم صحت اهداف و منی و شعارهای سازمان سیاسی را بیا شخصیت خود تبلیغ گران می‌سنجند. مبلغ کمونیست - مبلغی که تبلیغ عدالت، پاکدانی، در ستکاری، فداکاری، در راه خلق، فضیلت‌های انسانی و... نخستین وظیفه اوست بیا بد خود سبب انسانی خوب رزمنده‌های مادی و مبارزی فداکار باشد. شخصیت خوب مبلغ و احترام مردم نسبت به او، کمک فوق العاده‌ای بیا مرجذب ایده‌های مورد تبلیغ اوست. کمونیست‌هایی که در میان مردم به نیکی و فداکاری شهروان، به بخودی خود، در تبلیغ مرام و مسلک خود از امکانات به مراتب مساعدتری برخوردارند. این امر نه تنها در باره افراد جدا گانه بلکه در باره کل یک سازمان نیز صادق است. حزبی که مردم آنرا به صداقت، فداکاری، به اتفاقاتی که در دست در راه اهداف انقلابی شناخته‌اند، از نظر روانی و از نظر تجربه خود توده‌ها از امکانات

بیشتری برای تا شیر گذاری بر مردم برخوردار است و بیا عکس حزبی که بیا خطا کاری و سزلزل و... شناخته شود، قطعاً از این امکانات - تا هنگامی که بیا عمل انقلابی خویش حسن نظر مردم را جلب نکرده است - محروم خواهد ناست. مبلغی که قادر به شناختن منی‌های از وفا داری به طبقه کارگر و توده‌ها و چشمش باشد، مبلغی که به محافظه‌کاری و سستی و جبن آلوده باشد، مبلغی که ایده‌های تبلیغی او برخلاف روند عینی رویدادها باشد، قادر نیست توده‌ها را به وفاداری و فداکاری و مبارزه رهنمون شود.

نگاهی به تاریخچه سازمان و زندگی فداییان در سالهای قبل از انقلاب بوشنی نمایا نگرش اعتبار مبلغ در جلب توده‌هاست. ایما ن عمیق رفقای ما به سوی لیم، نفرت عمیق آنان به سرما بیا دری و رژیم شاه، سرکشی حماسی آنان در برابر دشمن، صداقت، از خود گذشتگی و قهرمانی‌های آن و... علی‌رغم اشتباهاتی که داشتیم از جمله عوامل برجسته‌ای بودند که در طی ۸ سال پیدایش سازمان توانستند توده عظیم کارگران و زحمتکشان و روشنفکران را به سوی سازمان جلب کنند و سازمان را در آستانه انقلاب بیا بد یکی از بزرگترین نیروهای سیاسی غیرحاکم در کشور مبدل سازند.

و آن مبلغی موفق است که در صورت در غلغله‌ها به خطا، بیا ن اعتراف کند و از خود انتقاد نماید. مبلغی که صلاحیت او در پیش طرف تبلیغ خسته‌ها نشده است، بدون انتقال از خود و بدون حرکت در جهت مسا عد گردانیدن روان توده، قادر نیست حتی انقلابی ترین شعار بیا بیا را بسپولت به میان آنان بیا بد. مبلغ متفرغ - خشک مغز و مغرور قادر بیا بد جلب خلق نیست. مبلغی که در تبلیغ شفا می‌دهد بیا بد در پیش گرفتن شیوه اقناع از طریق گفتگوی دو مکرر تا شیر، به متکلم و حسد تبدیل شود و اجازه سخن به کسی ندهد موفق نخواهد گشت.

مبلغ سیمای حزب در برابر دیدگان مردم است و هر حرکت مثبت او به سود هر کام منفی اش به زبان حزب است. مردم کمونیسم را در چهره کمونیست‌ها می‌شناسند.

یاران دیروز، قربانیان امروز "امام"

دادگاه ویژه روحانیت، محاکمه مهدی هاشمی را به پایان رساند، او را "مصادق با رژیم محارب و مفسد فی الارض" دانست و به اشاره خمینی به جوشه اعدام سپرد.

یک سال پیش، با فاش شدن ملاقات وزوبنده های پنهانی رژیم خمینی با آمریکا، موج پیگرد، با زداشت و سرکوب گروه سیدمهدی هاشمی، به فرمان خمینی برای افتاد، در پنجم آبان ماه ۶۵، ری - شهری وزیرسا واک رژیم، طی نامه ای به خمینی در مورد "رسیدگی جدی به اتهامات مهدی هاشمی و گروه وی توسط وزارت اطلاعات" از او کسب تکلیف کرد و خمینی نظریه اهمیت و حساسیت موضوع، تعقیب پرونده را منحصرآ در اختیار وزارت اطلاعات " قرار داد.

در افسندماه ۶۵، همزمان با نمایش تلویزیونی "اعترافات" مهدی هاشمی، وزارت سا واک خمینی اعلام کرد که به اطلاعات جدیدی در مورد هاشمی و گروه وی دست یافته است. پس از موافقت منتظری و گروه محاکمه مهدی هاشمی، طی حکمی از جانب خمینی، روحانیت و فلاحیان ما موریت با فتندکه دادگاه ویژه روحانیت را برای رسیدگی به محاکمه و مجازات روحانیون واجمله مهدی هاشمی " در اوین تشکیل دهند. دادگاه ویژه روحانیت در واقع با محاکمه مهدی هاشمی موجودیت یافت.

محاکمه مهدی هاشمی حول کیفرخواستی مشتمل بر ۱۱ بند آ در مطبوعات جمهوری اسلامی منعکس نشد. روز ۲۵ مرداد به پایان رسید. موضوع اصلی کیفرخواست، صرف نظر از بندهای آن، به اختلافات و کشاکشهای درونی حاکمیت و جدال قدرت میان ارگانها و جناحهای حکومتی مربوط می شود. هر چند بندهای اول کیفرخواست به سازماندهی گروههای تروریست و ربا بی " اختصاصی دارد، اما روشن است که در جمهوری اسلامی این قبیل جرایم مجازات نماند. های حکومتی رایج تر از آن است که امری غیر منظره و ناپیدا جلوه کند و به گروه مهدی هاشمی منحصر شود، لذا بخودی خود نمی توانسته است علنی موضوع محاکمه این گروه باشد.

دیگرموارد اتهام مندرج در کیفرخواست عبارتند از: "تلاش در تاسیس، اداره و اداره سپاه خودمختار و مستقل لنجان و تغذیه تدارکاتی و تسلیحاتی آن، ساز و کردن سلاح و مهمات از سپاه پاسداران و جاسازی و اختفای آنها، ایجاد شبکه نفوذ در ارگانها و ادارات مختلف و سرعت آسانا دودمارک طبقه بندی شده و کسب اطلاعات، تشکل و سازماندهی افراد و مسأله داروهای و اخراجی از ارگانها و تشکلات و نهاد های انقلاب اسلامی، ایجاد سوء ظن نسبت به مسئولین و نظام جمهوری اسلامی بوسیله تشکلات و در قبال اعلامیه ها و شینا ها، مخالفت با اقدام علیه سیاستهای خارجی جمهوری اسلامی که منجر به اختلال در روابط و مناسبات خارجی کشور شده..."

مهدی هاشمی در توضیح چگونگی "استفسار" ه نامشروع از سپاه "گفت: "ما سپاه را وسیله ای برای تثبیت و تحکیم پایه های تفکر خود در میان مردم و پشواندای در انتخابات مجلس و برای برای در اختیار گرفتن دیگر ارگانها و دوا بردولتی... قرار داد و در این زمینه به موفقیت های بسیاری دست یافتیم " علاوه بر سپاه پاسداران، و مجلس و ارگانها و دوا بردولتی، توجه ویژه به کارخان های چون حوزه علمیه و برنامهریزی برای تحکیم موقعیت خود در آن، امر مهم های اصلی فعالیت این گروه بوده است. مهدی هاشمی در این رابطه گفت: "به نام و حوزو علمیه بعنوان یک پایگاه اصلی قدرت در انقلاب می گردیم که بالقوه نیروها و کارهای آینده انقلاب و کشور در داخل و خارج را پرورش خواهد داد... عطش قدرت و حرازیایگاه در دراز مدت نصب العین ما شده بود تا... یک بازوی نیرومند روحانی در اختیار داشته باشیم."

افتاگری علیه برخی از رهبران جمهوری اسلامی منجمله خاندنهای ریسی جمهور، از طریق اعلامیه و شینا به یکی دیگر از موارد اتهام مهدی هاشمی بوده است. او در جریان محاکمه به تهیه و توزیع اعلامیه های "روحانیت بیدار" اعلامیه ۸ صفحه ای علیه خاندنهای، اعلامیه علیه دکترهای و تکثیر و توزیع نامه دکتر پیمان به آیت الله منتظری

آدرس
PI-10
1001 WIEA
AUSTRIA
حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 450
DR. GERTRAUD ARTNER

اشاره کرد و در توضیح انگیزه تکثیر نامه دکتر پیمان گفت: "ما چون محتویات نامه دکتر پیمان را در راستای افکار خود می دیدیم، مقداری از آنها را تکثیر و به دوستان ما دادیم."

مهمترین و پر نمودترین مورد اتهام مهدی هاشمی مخالفت و اقدام علیه سیاستهای خارجی جمهوری اسلامی بود که "منجر به اختلال در روابط و مناسبات خارجی کشور شد". در انعکاس جریان محاکمه در مطبوعات جمهوری اسلامی در رابطه با این اتهام تنها به "نقش منفی" مهدی هاشمی در درگیری های داخلی ضد انقلابیون شیعه افغان اشاره شد و از افشای معاطلات پشت پرده خمینی - رفسنجانی بسا ریگان و اختلافات ناشی از آن سخن به میان نیامد. مفا دیدند که کیفرخواست نیز در مطبوعات جمهوری اسلامی انعکاس نیافت و بخشی از جریانی که "مهدی هاشمی، به ملاحظه "پاک نگاه داشتن دامن بزرگان از اتهامات" مکتوم ماند و با تندی از جانب بیروتی نیافت. ری شهری در رابطه با این مورد پیمانیش تلویزیونی "اعترافات" گفته بود: "قبایلم کامل صحبت مهدی هاشمی، را شخا به بخش امام دادیم. او این مقدار را که از تلویزیون پخش شد با تاید امام پودوان مقدار که پخش نشد، مصلحت نبوده است."

بازداشت شکنجه و اعدام مهدی هاشمی که "جرم" اصلی اش بر ملا کردن مخالف پنهانی جمهوری اسلامی با آمریکا بود، بار دیگر نشان داد که رژیم سرکوبگر مردمی حاکم در عرض برای نزدیک شدن به آمریکا مصراست و دوا دوسته خمینی - رفسنجانی - خاندنهای هرگونه مخالفتی با سیاستهای جباری رژیم راهتی از جانب جریانی و محافل خودی نیز تحمل نمی کنند.

در جرایم و اختلافات و منازعات درون حکومتی اعدام مهدی هاشمی معنای عیبتی دارد. این اقدام ادامه بورسی بود که رژیم، از یک سال پیش برای قلع و قمع این جریان سیاسی - مذهبی پیهم در حاکمیت صورت داده "توسط جناح رسالت بعنوان تصرف یک کاربزمیم توصیف شده و همین جناح در انجام تمام و کمال این یورش بیش از همه ذینفع بوده است."

سرکوب خن و خونین دسته مهدی هاشمی و قربانی شدن او پیش پای خلیفه جماران در عیبت تازهای برای برخی از هواداران فریب خورده جمهوری اسلامی است. این رویداد نیز صورت باعث تشدید تضادهای درون حاکمیت خواهد شد. عیبت هرگز نمی تواند با سرکوب و کشتا و منتقدین و مخالفین سیاستهای رژیم در درون حکومت به انجام آید. دسته ها و خط ها و جناحهای غیر مطبوع درجه "فراو" پاشیده "حزب الله" پان دهنده

نمایش مبارزه با گرانفروشی

یکی از نمودهای بحران شدید اقتصادی، گرانای کمترین ما بهتاج مردم است که هر روز نیز بیشتر و بیشتر می شود. این روزها در بازار، چنانکه یافت شود گوشت کیلویی ۲۵۰ تومان، مرغ کیلویی ۱۴۰ تومان و بیورلیاسی ۲۵۰ گرمی ۲۵۰ تومان به فروش می رسد. اجاره مسکن که جای خود را در دو معسولا بیش از ۵۰ درصد در زحمتگشان را می بلند، مدتیه است که در اثر گرانای سرام و آروگوشت، مرغ و حتی تخم مرغ از سفره زحمتگشان رخت بر بسته است.

در رژیم جمهوری اسلامی در حالی که سرمایه داران بویژه تجار بزرگ، ثروت های افسانهای اندوخته اند، زحمتگشان میهنمان برای زنده ماندن مجبوری گردند و سایل ناچیزخانه شان را نیز بفروشدند. به برکت سیاستهای ضد مردمی رژیم تجار "محترم" این استوانه های "رژیم جمهوری اسلامی ما صاحب بیش از ۵۰۰۰ میلیارد تومان نقدینگی گشته اند. تنها قضیه "بنیاد نبوت" که به دلیل عدم پرداخت مالیات به دولت خمینی، توسط وزیر دارایی و اقتصاد رژیم مورد فشار قرار گرفته است، نشان می دهد که در رژیم جمهوری اسلامی به همان میزان که شرایط کار روزندگی کارگران و زحمتگشان دشوارتر می شود، همانقدر امکانات تالانگری آخوندهای حکومتی و تجار فراهم ترمی گردد. طبق اعتراف محمد دوا بیرونی و وزیر امور اقتصاد و دارایی رژیم تنها مالیات پرداخت شده بنیاد میزور در بخشی از سال ۶۵، ۸ میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال تخمین زده شده است. وزیر دارایی رژیم که حاضر نشده است از سر دما را ن "بنیاد" میزور نام برد، افزوده است که "بنیاد نبوت" در عهده های وسیعی منجمله در زمینه های بازرگانی، تاسیسات، پیمانکاری، دارایی، مبروری و... فعالیت داشته است.

در چنین اوضاع و احوالی است که رژیم خمینی

اطلاعیه مطبوعاتی احزاب کمونیست

شرق مدیترانه و خاور نزدیک و میانه

چندی پیش نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای شرق مدیترانه، خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ طی یک گردهمایی در آتن با یکدیگر و یونان به تبادل نظر درباره اوضاع متشنج منطقه بویژه تمرکز نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا و هم پیمانان "ناتو" ای آن در منطقه خلیج فارس پرداختند. احزاب میزور در پان یان نشست طوسی با سیاست مطبوعاتی "خاطر نشان کردند... امپریالیسم میان عراق و ایران برای گسترش فرما نیروی خود بیره برداری می کند و بدین سان صلح جهانی را بگونه ای سمگین به خطری اندازد. ما پشتیبانی خود را از قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد میسوی بر پان یان نشینیدن بیدرنگ به جنبه گانمان سوزگه ادامه آت تنها در راه ای منافع کنونی و دراز مدت امپریالیست است، ایسراو ز می داریم... شرکت کنندگان در گردهمایی آتن از ازیستنیادهای واقع بینانه وی در پی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درباره برقراری صلح پایدار در خاور میانه، مدیترانه و در سرچیان و برچیدن کارونه های تشدر منطقه استقبال می کند. احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای فوق تاکید می ورزند که همچنان در پیشاپیش صفوف جنبه خلق خود، در راه صلح، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی خواهد رزمید.

احزاب میزور تصمیم گرفتند تا سومین کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری منطقه شرق مدیترانه، خاور نزدیک و میانه دریای سرخ را فرا خوانند.

در باره مبارزه "با گرانفروشی و احتکار گرد و غبار تبلیغاتی برای انداخته و به زحمتگشان زجر دیده میهنمان و عده می دهد که بزودی به برکت شلاق و چریبه "گرانفروشی را از روی نقشه ایران محو خواهد کرد و بخصوص از وقتی که صلاحیتها را و اما "تجار" فرمایند که محاربه به اطلاع گرانفروشان و محتکران را به گزته های خیابانی دولت حزب اسه ابلاغ نموده و متقاضیان بخشا به تخت وزیر گوش به فرمان درباره اعمال "قا طعیت" در مورد گرانفروشان در اول مرداد ماه سال ما در شده، روزی نیست که روزنامه های حکومتی اندر فوا بید آن ننویسند و اخباری در باره دستگیری و "تسزیر" گران - فروش و محتکران در کنند.

بدین ترتیب سران جنبش پیشه رژیم با سراه انداختن این هیاهوی تبلیغاتی تلاش در راندن چنین وانمود کنند که گرانای کمترین موجود در جامعه سبه ناشی از ماهیت نظام سرما به داری و سیاستهای ضد مردمی و جنگ طلبانه رژیم، بلکه ناشی از عملکرد معهودی افراد سودمست، لذا بجای مقابله با گرانای و تورم، سوق و کرنای مبارزه با گرانفروشی را به صد آورده اند.

علیرغم این ترندنهای رژیم مردم میهن ما بخوبی می دانند که رژیم جمهوری اسلامی خود عامل اصلی گرانای و بیگاری ویسی مسکنی است و بنیاد "استغناء" ها و "بنیاد نبوت" ها تحت حمایت همین رژیم است که در جامعه ما شکل گرفته و دست چپا و لور برهستی مردم گشوده اند.

این حقیقت از دیده زحمتگشان میهن ما پنهان نیست که توزیع کالاهای اساسی مدتیه است که در دست دولت حزب الله است. این دولت حزب الله و آخوندهای حکومتی هستند که تجار حزب اللهی را در احتکار کالاهای اساسی مورد نیاز مردم بیگاری می رسانند و خودشان از سر دما را ن اصلی باندنهای احتکار و گرانفروشی هستند.

مردم زحمتگشان میهن ما نه تنها هیاهوی تبلیغاتی رژیم را جدی نمی گیرند، بلکه نگران آتند که از این به بعد بخش دیگری از درآمدنا چیزشان نیز به تاسین هزینه ۱۴۰۰۰ گزیه رژیم که تحت عنوان بازرسی برای اجرای نمایش مبارزه با گرانفروشی بسیج شده اند اختصاص یابد.

رژیم با تعقیب و "تسزیر" و چریبه تعدادی از گرانفروشان و محتکران و نیز چریبه برخی از موسسات بزرگی که در پرداخت خراج به دولت جنگ طلب تعلل ورزیده اند، می خواهد شکل نظام را از آماج خدم و کین مردم دور نگه دارد. کساری که شاه معصوم نیز قبیل از سقوط حکومت تنگینش به آن دست زد، و برای میا تورم و گرانای ناشی از نظام سرما به داری و سیاستهای ضد ملی و ضد مردمی اش، تا قنای ا منساف ترسب داد، اکیب های مبارزه با گرانفروشی به راه انداخت... اگر آن ترندنهای شاه معدوم توانست رژیم وی را از سقوط نجات دهد، شوا فریبی های رژیم فقهی نیز خواهد توانست این رژیم را از سقوط نجات دهد.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی جمهوری اسلامی